



در اسلام

نویسنده: محمد جواد خراسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعتكاف در اسلام

نویسنده:

محمد جواد حیدری خراسانی

ناشر چاپی:

بی جا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	اعتکاف در اسلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۷	سخن ناشر
۸	پیشگفتار
۱۲	[مقدمه مؤلف]
۱۳	اعتکاف در قرآن
۱۴	[چگونگی اعتکاف:]
۱۴	وقت اعتکاف و اجر و ثواب آن
۱۵	محل اعتکاف
۱۸	شرط انعقاد اعتکاف، روزه است
۱۸	حدّ اعتکاف
۲۰	نیت اعتکاف و وقت آن
۲۱	موجبات قهری قطع اعتکاف
۲۲	آداب اعتکاف
۲۲	تروک اعتکاف
۲۴	سوم و چهارم و پنجم از تروک اعتکاف
۲۴	اشاره
۲۵	مواردی که بیرون شدن از مسجد ترخیص شده:
۲۷	سایر تروک احرام:
۲۸	فوائد و آثار اعتکاف یا اسرار آن:
۳۱	[سخنی درباره چله‌نشینی:]

۳۵	پایان سخن
۳۵	در فضیلت حج و عمره
۳۶	فهرست منابع و مآخذ تحقیق
۳۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

اعتکاف در اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : خراسانی، محمدجواد، ۱۲۹۱ - ۱۳۵۵.

عنوان و نام پدیدآور : اعتکاف در اسلام / بقلم محمدجواد الخراسانی.

مشخصات نشر : بی‌جا: حیدری، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۵۵ ص؛ ۵/۱۱X۱۷ س.م.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : اعتکاف

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۲:خ۴الف ۶ ۱۳۰۰ ی

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۴

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۹-۱۳۷۴۰

اشاره

اعتکاف در اسلام، ص: ۷

سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم به نام او انسان با ویژگی‌های شگفت‌انگیزی که در خود دارد، به عنوان گل سرسبد و برگزیده‌ی آفرینش شناخته شده است، چرا که برخلاف دیگر آفریدگان که در جایگاهی از پیش تعیین شده جای گرفته و امکان تعالی و رشد و یا انحطاط و سقوط ندارند؛ او چنان است که با نگاهی به فراتر می‌تواند روی به تعالی و تکامل و فرونی آورد و از سویی دیگر با فاصله گرفتن از سرآغاز هستی و برتری به سوی سقوط و انحطاط فرو غلتد، و این امکان دستیابی به حق و تنظیم آن براساس اختیار و خواست؛ در موجودی دیگر دیده نمی‌شود

حال چگونه و از چه راهی می‌توان با خداوند نزدیک گردید و یا از او فاصله گرفت؟

آفریدگار مهربان در این زمینه خود به یاری انسان‌ها شتافته و راه‌هایی را به واسطه رسولان و حاملان امانت

اعتکاف در اسلام، ص: ۸

خویش، معرفی و آن را فرا راه ایشان نهاده است، که یکی از بهترین و کوتاه‌ترین راه‌ها: بندگی کردن و نیایش به درگاه حق بردن است، و در این وادی نیز برترین نیایش «خالص» کردن خویش بر آستان اوست، برکنار نهادن همه‌ی آنچه جز اوست و با همه‌ی هستی روی آوردن به او، و این است اوج عبودیت و عبادت و خلوص؛ «اعتکاف». در اسلام شخص «معتکف» چند روزی همه‌ی جز اوها را رها می‌سازد، تا بیاموزد که در همه‌ی روزها چنین بایست بود، چند روزی به «نیایش و بندگی» می‌پردازد، تا فراموش نکند که هر روز بایستی بنده بود، ولی بنده‌ی خداوند نه دیگران؛ چند روزی دهان از طعام می‌بندد، تا درک کند رنج گرسنگان را و تمرینی عملی بر نگاهداری دهان و شکم داشته باشد؛ شبهایی چند خواب و راحت را به کنار می‌نهد، تا برای راحتی شب آغازین گورش توشه‌ای برچیند ...

باری، اعتکاف در اسلام یکی از معنی‌دارترین و آموزنده‌ترین عبادات می‌باشد، که در صدر تاریخ اسلام و قرون گذشته نزد بزرگان دینی جایگاهی بس بلند داشته است و هرچند در سالیان اخیر با همت و پشتکار گروهی از اخیار دوباره احیاء گردیده است و مورد استقبال گرم جوانان عزیز

اعتکاف در اسلام، ص: ۹

ایران اسلامی قرار گرفته است، لیکن به نظر می‌رسد تلاش هرچه بیشتر در جهت شناساندن ابعاد گسترده و عمیق آن برای نسل جوان، از وظایف حوزه‌های علوم دینی و تلاشگران وادی فرهنگ اصیل اسلامی می‌باشد.

در این راستا یکی از آثار شایسته‌ی احیاء رساله «اعتکاف در اسلام» نوشته‌ی مرحوم آیة الله حاج شیخ جواد خراسانی «قدس سرّه العالی» می‌باشد، که توسط محقق ارجمند و دانشمند گرامی جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج آقای باقری بیدهندی «زید عزّه» به زیور تحقیق آراسته گردید و افتخار چاپ و نشر آن نصیب این بنیاد علمی فرهنگی گردیده، که با قدردانی از تلاش‌های فراوان آن استاد فرزانه، و آرزوی دوام توفیقات الهی، این کتاب را به عموم حق‌جویان عابد و حق‌گویان مخلص، تقدیم می‌داریم. امید که مشمول دعای خیر آن عزیزان بوده باشیم.

و السلام بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نور الاصفیاء علی لسان الدین رستگار جویباری اعتکاف در اسلام، ص: ۱۱ بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

خواه زندگی اجتماعی را برای بشر طبیعی بدانیم و خواه به قول ژان ژاک روسو نتیجه یک قرارداد اجتماعی، در هر صورت بشر خواه طبیعه "و خواه مصلحه" موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند راه پرسنگلاخ زندگی را به تنهایی پیماید و به تنهایی تمامی نیازهای خود را از قبیل پوشاک، خوراک، مسکن و دیگر مسائل علمی و عملی تأمین کند، از این رو او گمشده خود را در اجتماع جستجو می‌کند و از زندگی انفرادی- هرچند در رفاه کامل باشد گریزان است.

دین مبین اسلام طرفدار زندگی در اجتماع است و با رهبانیت و انزوای اجتماعی به هر صورت که باشد، به مخالفت برخاسته است. از آنجا که دست و پا زدن در مسائل مادی زندگی و

اعتکاف در اسلام، ص: ۱۲

مشاغل روزمره، و معاشرت و آمیزش با مردمان سفل و فاسد و غفلت‌زدگان جامعه، خواه‌ناخواه میل به دنیا و تجمل‌گرایی را در انسان افزایش می‌دهد و گاه آدمی را از یاد حق و روی کرد به حقیقت و توجه به امور روحانی باز می‌دارد و به خود مشغول می‌سازد و مانع عبادت درست و خالصانه و مانع تفکر در عجائب صنع پروردگار است. در اسلام ناب «اعتکاف» مقدمه‌ای است برای بیداری از غفلت و وسیله‌ای است که رابطه آدمی را با خدای سبحان محکم می‌کند.

آری یکی از سنت‌های نیکو و انسان‌ساز که دارای فضیلت بسیار والایی است، و اکنون مورد توجه، عمل پرفیض و برکت اعتکاف است.

اعتکاف؛ یعنی به خانه امن خدا پناه آوردن و فیض‌های بیشمار نصیب خود نمودن.

اعتکاف، حرکتی زیبا در جهت توجه و تقرب به خدا می‌باشد.

اعتکاف، دریچه عروج به عالم قدس و معنویت است.

هجرتی است از خانه خود به خانه خدای عزّ و جل.

اعتکاف، نردبانی آسمانی است که بدان وسیله به بام

اعتکاف در اسلام، ص: ۱۳

اخلاق و به عرش اعلا صعود و در اوج روحانیت پرواز کنیم.

اعتکاف، خلوت با خداوند سبحان و داخل شدن در خانه معبود و انس گرفتن با پروردگار بزرگ است.

معتکفان در پرتو این ارتباط معنوی و الهی، غذای روحی دریافت می‌دارند و به شخصیت انسانی می‌رسند.

اعتکاف، بر روحانیت و معنویت معتکفان می‌افزاید و در پاکی درون و در نورانیت دل، تأثیر عمده‌ای ایفا می‌کند.

اعتکاف، ساحل رستگاری غرق‌شدگان در گرداب غفلت و بیراهگی است.

اعتکاف، اگر به درستی انجام، شود سرشار از یاد خدا است و می‌تواند انسان را یکسره غرق در یاد حق تعالی کند و حجاب غفلت

را نابود نماید. و معتکف را عروج دهد، ارتباط بندگی او را مستحکم‌تر سازد، پای‌بندی به اصول و موازین عبودیت را در وجودش

قوت بخشد.

اعتکاف، عاملی است ارزنده برای کنترل هوسها و تعدیل شهوتها و غرائز انسانی و تجدید نشاط برای قدم نهادن به دایره مسئولیتها و

تکالیف اجتماعی.

اعتکاف، برنامه‌ای است فشرده برای عبادت و ازدیاد

اعتکاف در اسلام، ص: ۱۴

ایمان و تقویت روحیه تقوا و رشد و شعور اسلامی و عطرآگین کردن فضای زندگی و نزدیک ساختن بنده با حضرت ربّ العالمین.

اعتکاف، اکسیری دگرگون‌ساز و روح‌بخش و ارزش آفرین است.

اعتکاف، در پالایش روح و رسیدن به کمال، و تکمیل و بارور ساختن ایمان نقشی اساسی دارد.

اعتکاف، در روح معتکف اراده قوی، و نیروی خداترسی می‌آفریند و در پرتو چنین اراده و نیرویی، آدمی در مقابل تمایلات

نفسانی از خود مقاومت نشان داده، از زشتی‌ها و گناهان دور می‌گردد، در زندگی مصمم و مقاوم می‌شود با نشاط زندگی می‌کند.

اعتکاف، نوعی اظهار بندگی در برابر آفریدگار جهان هستی و از بهترین عبادات فردی است که پای‌بندی به انجام آن انسان را در

دریای رحمت و زندگی جاوید قرار می‌دهد.

اعتکاف، اظهار شیفتگی و عشق آدمی است به کمال مطلق و جمیل علی الاطلاق.

ایام اعتکاف روزهایش باارزش و معنویت و شبهایش پر

اعتکاف در اسلام، ص: ۱۵

خیر و برکت اس. لذا مردان خدا برای آن اهمیت خاصی قائلند و درصدد جلب رضایت و خشنودی خدا و در تکاپوی عمل به

خواسته‌های حق هستند.

در ایام اعتکاف، اعتکاف‌کنندگان دور از بازار کار و غوغای روزگار، خود را از زندگی تاریک مادی و قید و بندهای پست

حیوانی و شهوانی و عوامل فراموشی و غفلت از یاد خدا خلاصی داد، و زمینه را برای گسستن از سرگرمیهای پوچ فراهم آورده و

بسان فرشتگان با حالت خشوع و حضور قلب، قدم به دایره یک زندگی روشن روحانی می‌گذارند و از فیوضات و برکات عالی این

ایام بهره می‌گیرند.

این حق پویان، در ایام اعتکاف در جایگاهی که خداوند آن را بزرگ داشته و همگان را به بزرگداشت آن فرمان داده، گرد

می‌آیند و خداوند بزرگ را با احترام زیاد می‌خوانند، و با همه وجود در برابر محبوب خویش سر تسلیم فرود می‌آورند و در پرتو

مناجاتهای عارفانه و عاشقانه و دعا‌های طولانی و پرسوز، چنان نشاط روحی و نورانیتی در قلب خود احساس می‌کنند که گویی در

دریایی از نور و صفا شناور شده‌اند و فیوضات ربانی از هر طرف شامل حالشان شده است و این

اعتکاف در اسلام، ص: ۱۶

احساس به آنان دست می‌دهد که در یک فضای معنوی و ملکوتی قرار گرفته که پیوسته ریزش رحمت و غفران الهی را دربر دارد. آنان به وسیله اعتکاف به درجه عالی و مقام والا می‌رسند و از خود بیگانه و با خدا یگانه می‌گردند. سالکان الی الله، اعتکاف را بستر مناسب برای اندیشه و فرصت استثنائی برای تفکر در عظمت بی‌نهایت خالق هستی و نعمت‌های بی‌شمار خداوندی می‌دانند و از آن نهایت استفاده را می‌برند. در جمع معتکفان گروهی از اولیاء الله که تنها هوای محبوب را در سر و نوای او را بر لب و ولای او را در دل دارند، حضور دارند که با قلبی شکسته و چشمی گریان بر سجاده دعا زانو زده و دست استجابت به پیشگاه قاضی الحاجات بلند کرده و برای سربلندی امت مسلمان دعا می‌کنند.

به جا آوردن این عبادت ویژه، اضافه بر آثار سازنده فوق، این اثر ارزنده را هم در پی دارد که: بار گران گناهان را از پشت مؤمن بر می‌گیرد و زنگار معاصی را از دلها چون نوزاد، پاک می‌کند و نیز آنان را در اعتکاف در اسلام، ص: ۱۷

مقابل آفات اخلاقی حراست و نگهبانی می‌کند.

معتکفان، رهروان طریق و رهسپاران سرمنزل مقصود، در مدت درنگ در مسجد جامع و پرداختن به روزه و نماز و تهجد و تلاوت قرآن و تفکر در آیات آن و خواندن دعا‌های وارده و مطالعه و مذاکره علم و مجالست با ابرار (معتکفان)، و تقویت رابطه معنوی با وارستگان، میهمان مائده معنوی الهی هستند بر قامت افراشته خویش قبای قرب الهی را می‌پوشانند و خود را از خطرات بی‌بندوباری و لجام گسیختگی بر کنار و بیمه می‌نمایند.

عالمان بزرگوار مارضوان خدا بر آنان باداز دیرباز برای تبیین و تشریح اعتکاف و احکام و اهداف آن به تألیف کتابهای مختلف در سطوح گوناگون پرداخته‌اند.

شماری از آثار مستقل که قبل از مؤلف (قدس سرّه) به وسیله بزرگان شیعه نوشته شده، بدین قرار است:

الاعتکاف، ابو الفضل صابونی.

الاعتکاف، ابو جعفر ابن بابویه.

الاعتکافیه، معین الدین سالم بن بدران بصری.

اعتکاف در اسلام، ص: ۱۸

الاعتکافیه، یا ماء الحیات و صافی الفرات، لطف الله میسی اصفهانی که به کوشش احمد عابدی در: میراث اسلامی ایران، دفتر اول، ص ۳۱۱ به بعد منتشر شده است.

الکفاف فی مسائل الاعتکاف، مولی محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی.

الاعتکاف، سید محمد علی شهرستانی.

و این حرکت، همچنان ادامه دارد و پیوسته شاهد نگارش آثار جدید درباره این عبادت پر فیضیم، سعی یکایک آنان مشکور باد.

یکی از آثار ارزنده در این زمینه، کتاب نفیسی است که در دست دارید.

این کتاب اثر عالم بزرگوار و پارسا حضرت حجت الاسلام و المسلمین آیت الله حاج شیخ محمد جواد خراسانی

(۱) - آیت الله خراسانی فرزند محسن بن حسین در مشهد مقدس در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود و سالیان متمادی به درس و بحث و تألیف و تصنیف و خودسازی پرداخت و در این راه زحمتها کشید و توفیقا یافت و به فیضها رسید.

معظم له تحصیلات ابتدائی را نزد پدر دانشمند خود و جمعی از اساتید حوزه مشهد فرا گرفت و آن‌گاه برای تکمیل دروس خویش راهی نجف
اعتکاف در اسلام، ص: ۱۹

اشرف گشت و از محضر استادان برجسته‌ای چون حضرات آیات عظام: آقا ضیاء الدین عراقی، آقا میرزا آقا اصطهباناتی، سید ابو الحسن اصفهانی، سید محمود شاه‌رودی، سید حسین اصفهانی بهره‌ها برد و به‌مراحل رفیع اجتهاد دست یافت. سپس به ایران آمد و در تهران رحل اقامت افکند و در معرفیو نشر فرهنگ اسلامی و صیانت از دژ استور قرآن و عترت از خود اهتمامی ارزشمند بروز داد. ایشان در علم و ادب شخصیتی برجسته است که درباره او و آثارش در مقالی مستقل سخن گفت، باید چنان که جرقه‌ای از آن نیز در این اثر نیز هویدا است. فهرست شماری از آثار ایشان: کشف‌الآیات؛ کشف مطالب الآیات؛ ظواهر الآثار؛ نخبه القصار؛ تقریرات اصول، مقتل الحسین علیه السلام؛ حاشیه بر مکاسب، منظومه عربی در رجال، بینه رحمت، معارف الاثمه علیهم السلام، الامامه عند الشیعه الامامیه؛ البدعه و التحرف؛ مهدی منتظر (عج)؛ تلخیص الصرف، تکملة الصرف، تلخیص النحو؛ رساله‌ای در طلاق، رساله‌ای در خمس، رساله‌ای در نیز مسافر، رساله‌ای در طلب و اراده و دفع شبهه جبر؛ اربعینات و ... رویکرد وسیع خوانندگان به آثار ارزنده مؤلف، از اخلاص و دانش سرشار نویسنده محترم حکایت دارد. زهد و تقوا و ملکات نفسانی معظم له زبانزد بوده است. و ایشان پس از عمری پر بار و تلاش در زمینه معرفیو نشر فرهنگ شیعی در سال ۱۳۹۷ هـ ندای حق را لیبیک گفت و به سوی معبودش شتافت. خداوند بارانهای غفران خود را بر او فرو ریزاند و او را در بهشت برین خود جای دهد. برای دریافت اطلاع بیشتر، نک: جهاد اکبر، چاپ تهران، ۱۳۹۷

اعتکاف در اسلام، ص: ۲۰

(۱۳۳۱ هـ ق) است که برای تشویق فارسی زبانان به این سنت الهی فراهم آورده است. مؤلف، خواننده را برمی‌انگیزد و تشویق می‌کند که مانند خود او به اعتکاف پردازد و در مقام مجاهده با نفس فتح‌ها کند و آسمانی شود و حظ معنوی و اجر اخروی ببرد. به موقع است علاقه‌مندان از این رساله فوائد کافی بگیرند. این کتاب یک بار در زمان حیات مؤلف دانشمند در قطع جیبی در ۵۶ صفحه به طبع رسید، و مورد توجه اهل معنی و رغبت عامه مردمان قرار گرفته است.

اینک که چاپ جدید کتاب پیشکش خیل معتکفان کوی دوست می‌گردد، از خدای مَنان توفیق درک این عبادت بابرکت را برای عارفان و سالکان وادی معرفت و راهیان کوی سعادت خواهانیم. از خداوند کارساز بنده‌نواز سپاسگزار و به درگاه او شاکرم که توفیق تحقیق این اثر مفید را به این بنده بی‌مقدار عنایت

هدایه الامامه الی معارف الاثمه، (مقدمه)؛ آهی سوزان برای منتظران امام زمان (مقدمه)؛ یادداشتهایی از مخطوطات؛ گنجینه دانشمندان؛ مهدی منتظر (عج) (مقدمه)

اعتکاف در اسلام، ص: ۲۱

فرمود. و از آستان خداوند مسألت دارم روان مؤلف عالیقدر - که عمر با برکتش را در خدمت، علم و دین به سر آورد - شاد گردند و با اولیاء و مقربان درگاهش محشور فرماید.

و از فرزند دانشمند مؤلف، حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ جعفر خراسانی دامت برکاته که با چاپ این اثر موافقت

فرمودند، کمال تشکر را دارم و توفیق روز افزونش را در خدمت به فرهنگ پر بار شیعه و نشر علوم و معارف قرآن از درگاه لا یزال الهی خواستارم.

و از دوست فاضل و محقق و یار قدیم صمیم و کریم خود حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ مهدی انصاری قمی در ترتیب اجازه کتاب به حکم وظیفه دوستی و انسائیت متشکرم.

و سرانجام از مدیر محترم و دانشور بنیاد پژوهش‌های علمی، فرهنگی نور الاصفیاء حجت الاسلام و المسلمین لسان الدین رستگار جویباری نیز که در طبع این اثر همت وافر داشتند عرض تشکر دارم.

قم ناصر باقری بیدهندی اعتکاف در اسلام، ص: ۲۳ «توجه» اگرچه این کتاب برای استفاده عموم به فارسی نوشته شده، ولی گاهی در متن و گاهی در پاورقی رعایت خواص نیز شده، و برای استفاده بیشتر مطالبی مطابق فهم ایشان ذکر شده است، کسانی که در آن پایه نیستند اعتراض نکنند و برای اهلش بگذارند. «مؤلف»

(۱) - این تذکر جناب مؤلف بیت زیر مولانا را به یاد می‌آورد که گفت:

... تا نماند هیچ مهمان بینوا هر کسی یابد خوراک خویش را مثنوی (کلام خاور)، دفتر سوم، ص ۱۶۷ س ۲۴.

اعتکاف در اسلام، ص: ۲۵ بسم الله الرحمن الرحیم

[مقدمه مؤلف]

الحمد لله و الصلاة والسلام على عباده الذين اصطفى سيما سيّد الأنبياء محمد المصطفى، و آله الأئمة الطاهرين، و لعنة الله على أعدائهم و مخالفهم اجمعين. اعتكاف از جمله سنتهای اَكیده محبوبه اسلام است، ولی در این ازمنه مانند بسیاری از سنتها بلکه بسیاری از واجبات متروک شده، به طوری که حتی نامش هم از میان رفته جز بین فقهاء و علماء، به نحوی که اگر کسی بخواهد به یکی از آنها عمل کند در انتظار، امر تازه و عجیب می‌نماید، راستی مصداق فرمایش پیغمبر صلی الله علیه و اله ظاهر گردیده که فرمود: «در آخر الزمان معروف منکر شود و منکر معروف، بدعت سنت

اعتکاف در اسلام، ص: ۲۶

گردد و سنت بدعت».

برعکس این حقیر از همان زمانی که در نجف اشرف مشرف بودم و علاقه عجیبی به اعتکاف پیدا کرده و تا ممکن بود چنان که معمول و مرسوم علماء و طلاب نجف است، در ماه رمضان و رجب خود را برای اعتکاف در مسجد کوفه آماده می‌ساختم و چون به ایران آمدم، مدت‌ها این توفیق از من سلب شد ولی به شدت آرزو داشتم، تا این که بحمد الله چند سالی است به لطف خداوند موفق گشتم و عده‌ای از مؤمنین نیز چون بر حقیقت مطلع شدند با من شرکت کرده و هر سال بر عده افزوده می‌شود. از این نظر جمعی از اهل توفیق برای مزید تشویق و زیادی بصیرت و اطلاع بر خصوصیت اعتکاف از من خواستار شدند تا در این باره چیزی بنویسم، حقیر هم اجابت نموده و این مختصر را تقدیم خوانندگان می‌نمایم.

«اعتکاف» از عکف و عکوف است به معنی حبس کردن خود بر چیزی، یا اقامه بر آن، یا مواظبت بر آن و ملازم

(۱) - نک: الصحاح، ۴/ ۱۰۴۶؛ غریب القرآن، ۳۴۳.

(۲) - نک: لسان العرب، ۹/ ۲۵۴.

اعتکاف در اسلام، ص: ۲۷

بودن آن را. و مقصود از این عمل مسنون، حبس کردن خود را است در مسجد، برای عبادت و اقامه و مواظبت و ملازم بودن آن با

کیفیت و شرائط خاص.

اعتکاف، در اصل شرع از سنت‌های مستحبه است، ولی اگر کسی نذر اعتکاف کند واجب می‌شود.

و سنت اعتکاف برای هر مرد و زن مسلمان بالغ و عاقل ثابت است، و اگر زن شوهر داشته باشد باید که به اذن شوهر باشد، مگر این که به نذر واجب شده باشد بر او قبل از شوهر، یا

(۱) - الصحاح، ۴/ ۱۰۴۶؛ مجمع البحرین، ۳/ ۲۲۹.

(۲) - و به همین معانی در قرآن استعمال شده، سوره فتح: آیه [۲۵] «و الهدی معکوفاً» یعنی محبوسا. سوره حج: آیه [۲۵] «سواء العاکف فیہ والباد» یعنی المقیم بمکة و الواردین من البوادی، سوره اعراف: [۱۳۸] «یعکفون علی اصنام لهم» ای یقیمون او یلازمون او یواظبون. و مثله سوره سه: [۹۱] «قالو لن نبرح علیه عاکفین حتی یرجع الینا موسی»، سوره طه: [۹۷] «و انظر الی الهک الذی ظلت عاکفا لنحرقتہ» سوره انبیاء: [۵۲] «ما هذه التماثل الّتی انتم لها عاکفون» سوره شعراء [۷۱] «قالوانعبد اصناما فنظّل لها عاکفین» دو آیه دیگر که در خصوص اعتکاف است، ذکر آن خواهد آمد. مولف (ره)

(۳) - نک: تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۴۰؛ بدایه المجتهد، ۳۱۲؛ بدائع الصنائع، ۲/ ۱۰۸؛ المجموع شرح المذهب، ۶/ ۴۷۵؛ حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر، ۱/ ۵۴۰.

اعتکاف در اسلام، ص: ۲۸

با امضای او. و هم‌چنین از غلام و کنیز هم صحیح است اما به اذن آقای خود، بلکه از صغیر ممیز هم که قادر بر روزه گرفتن باشد نیز به اذن ولی او از باب تمرین صحیح است، مانند سایر اعمال واجبه و مستحبه مثل نماز و روزه و حج.

اما پسر و دختر بالغ مانند سایر اعمال مستحبه باید با رضایت پدر و مادر باشد.

عمل اعتکاف را می‌شود که همه برای خود انجام داد و هم به نیابت از طرف مردگان چون پدر و مادر و غیر ایشان و در نیابت از طرف زنده خلاف است و قول به صحت قوی‌تر است، یعنی می‌شود شخصی برای خود نایب بگیرد در عمل اعتکاف به خصوص اگر صاحب عذری باشد مانند عدم تمکن از روزه، یا از حضور در مساجد چون زن حائض، یا مشکل بودن توقف چند روز به سبب بعضی امراض، یا بعضی اشغال، یا رسیدن مهمان، یا ابتلائات دیگر که در این صورتها هیچ مانعی ندارد که برای رسیدن به فیض، برای خود نایب بگیرد، بلکه به طور کلی مستحبات مانند زیارات و حج و غیرها قابل نیابت است و اجر و ثواب در همه، هم برای نایب است و هم برای کسی که از طرف او نایب می‌شود.

اعتکاف در اسلام، ص: ۲۹

اعتکاف در قرآن

قرآن مشتمل است بر کلیات مطالب و در هر موضوعی اشاره اجمالی به تشریع آن دارد. مانند: «أقیموا الصلاه و آتوا الزکاه» و شرح و تفصیل آن موکول به بیان پیغمبر صلی الله علیه و اله و اهل بیت علیهم السلام است.

راجع به اعتکاف در قرآن دو آیه در سوره بقره ناظر به او است اول آیه ۱۱۹: «و عهدنا الی ابراهیم و اسمعیل ان طهّرا بیتی للطائفین و العاکفین و الرّکع السّجود». یعنی پس از تمام شدن ساختمان کعبه یا هنگام ساختمان آن بر دست ابراهیم و اسماعیل، با ایشان عهد و قرارداد بستیم که خانه امر پاکیزه سازید از نجاسات و لوث شرک‌ها برای طواف کنندگان و معتکفین و رکوع و سجود گزاران.

دوم آیه ۱۸۳ در ذیل آیه صوم: «و لا تباشروهنّ و انتم عاکفون فی المساجد»: با زنان مباشرت نکنید در حالی که معتکف هستید در مسجدها.

اعتکاف در اسلام، ص: ۳۰

در این آیه اشاره به بعضی از شروط اعتکاف شده، یکی حرمت مباشرت زنان در حال اعتکاف، دوم اختصاص اعتکاف به مسجد، سوم تعمیم در مساجد به نحو اجمال، چهارم چون در ذیل آیه صوم است، شرط بودن روزه نیز از او استشمام می‌شود. بقیه کیفیت و شرائط از آورندگان قانون است، اینک به تفصیل ذکر می‌شود.

(۱) - نک: المیزان: ج ۲، ص ۴۹.

اعتکاف در اسلام، ص: ۳۱

[چگونگی اعتکاف:]

وقت اعتکاف و اجر و ثواب آن

از آیه فوق (یعنی آیه دوم) نظر به این که در جزء احکام صوم رمضان ذکر شده، شاید استفاده شود اختصاص وقت آن به ماه رمضان، ولی ممکن است این از جهت افضلیت باشد، یا از جهت این که اصل مشروعیت اعتکاف ابتدا در ماه رمضان شد و به همین نظر پیغمبر صلی الله علیه و اله همه ساله در ماه رمضان اعتکاف می‌نمود و بعد تعمیم داده شد. چنانچه روزه نیز اول در ماه رمضان فرض شد و بعد روزه‌های واجب دیگر.

آیه اول ظاهر است در عموم، زیرا که عاکفین در وسط واقع شده و معلوم است که طواف و رکوع و سجود اختصاص به

(۱) - آیه ۱۸۷ سوره بقره.

(۲) - نک: فروع کافی، ۴/ ۱۷۵؛ الغارات، ۱/ ۲۴۹؛ عوالی اللئالی، ۱/ ۱۴۷؛ صحیح بخاری، ۲/ ۷۱۳؛ سنن دارقطنی، ۲/ ۲۰۱؛ دعائم الاسلام، ۱/ ۲۸۶.

اعتکاف در اسلام، ص: ۳۲

ماه رمضان ندارد، پس اعتکاف نیز چنین باشد و در اخبار قضاء حوائج برادر دینی وارد شده از حضرت زین العابدین علیه السلام که فرمود: به خدا قسم که برآوردن حاجت برادر مؤمن نزد خدا محبوب‌تر است از روزه دو ماه پشت سر هم و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام.

و حضرت صادق علیه السلام فرمود: کسی که سعی کند در حاجت برادر مسلمان خود، بنویسد خداوند برای او یک حج و یک عمره و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام با روزه آن.

و در حدیث دیگر فرمود: دو ماه از ماههای حرام در مسجد الحرام.

و آن چه از فقهاء و محدثین ظاهر می‌شود نیز تعمیم است. و صاحب عروه تصریح فرموده به این عبارت: «و یصح فی کل وقت یصح فیه الصوم» یعنی اعتکاف صحیح است در هر وقتی که روزه صحیح است (یعنی غیر از عیدین). و حاشیه کنندگان چون آیه الله اصفهانی و نائینی و قمی و عراقی و اصطهباناتی و بروجردی و حجت کوه‌کمری

(۱) - ثواب الاعمال، ۸۰.

(۲) - اصول کافی، ۲/ ۱۹۸.

اعتکاف در اسلام، ص: ۳۳

نیز مسکوت عنه گذاشته‌اند، و ظاهر این است که جای خلاف نیست.

محقق فرموده: صحیح نیست اعتکاف مگر در وقتی که روزه صحیح باشد، و از کسی که روزه از او صحیح باشد، پس اگر در عیدین باشد، یا مسافر و حائض، باطل است.

پس در تمام سال می‌توان اعتکاف را به جا آورد، و افضل وقات، ماه رمضان است، خصوص دهه آخر.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و اله، اول مرتبه اعتکاف فرمود در دهه اول و سال دیگر در دهه دوم، و سال سوم در دهه سوم و از آن به بعد همیشه در دهه سوم اعتکاف می‌فرمود.

و نیز فرمود: چون جنگ بدر در ماه رمضان اتفاق افتاد، در آن سال پیغمبر صلی الله علیه و اله نتوانست اعتکاف کند سال بعد بیست روز اعتکاف نمود، ده روز قضای سال گذشته و ده روز برای همان سال.

(۱) - فروع کافی، ۴/ ۱۷۵؛ الفقیه، ۲/ ۱۲۳؛ الوسائل ۱۰/ ۵۲۴؛ مستند الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۴۴.

(۲) - فروع کافی، ۴/ ۱۷۵؛ عوالی اللئالی، ۳/ ۱۴۷؛ الفقیه، ۲/ ۴۱۲۰؛ مستند الشیعه، ۱۰/ ۵۴۴.

اعتکاف در اسلام، ص: ۳۴

و نیز فرمود که: پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمود: اعتکاف ده روز در ماه رمضان معادل با دو حج و دو عمره است.

و از جعفریات نقل شده که آن حضرت فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود: اعتکاف در ماه رمضان معادل با دو حج و دو عمره است.

و از دعائم الاسلام نیز از آن حضرت نقل شده که پیغمبر صلی الله علیه و اله یک سال ده روز اول ماه رمضان را اعتکاف کرد و یک سال ده روز دوم و یک سال ده روز سوم.

محل اعتکاف

از دو آیه سابق ظاهر می‌شود اختصاص اعتکاف به خصوص مساجد، و آیه دوم ظاهر است در عموم که شامل هر مسجد می‌شود، ولی مابین فقهاء رضوان الله علیهم -

(۱) - الفقیه ۲/ ۱۲۲؛ الوسائل، ۱۰/ ۵۳۴.

(۲) - در المنثور، ۱/ ۲۰۲؛ عوالی اللئالی، ۲/ ۱۴۷.

ثواب حج و عمره چه واجب و چه مستحب بسیار است، چند حدیثی در آخر کتاب ذکر می‌شود. مؤلف.

نیز نک: الاساس فی السنه، ۶/ ۲۷۰۷؛ عروه الوثقی، ص ۳۹۹.

(۳) دعائم الاسلام، ۱/ ۲۸۶.

اعتکاف در اسلام، ص: ۳۵

اختلاف است در تعمیم یا تخصیص به بعضی از مساجد، بر حسب اختلاف روایات.

بعضی مخصوص دانسته‌اند به چهار مسجد و این قول جماعتی است، و مستند آن نقل شیخ مفید است، در مقنعه فرموده: روایت شده که اعتکاف نیست مگر در مسجدی که پیغمبر یا وصی پیغمبری نماز جمعه گزارده باشد و آن چهار مسجد است: یکی مسجد الحرام که پیغمبر صلی الله علیه و اله در او نماز جمعه گزارده، دوم مسجد مدینه است که پیغمبر صلی الله علیه و اله و امیر المؤمنین

علیه السلام هر دو در او نماز جمعه گزارده‌اند، سوم مسجد کوفه، چهارم مسجد بصره که امیر المؤمنین علیه السلام در آن نماز

(۱) - نک: مستند الشیعه، ۱۰ / ۵۵۰؛ المبسوط، ج ۱، ص ۲۸۴؛ رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۶۰، من لا یحضره الفقیه، ۲ / ۱۸۴؛ مختلف الشیعه ج ۳ / ۵۷۸؛ منتهی المطلب، چاپ سنگی؛ ج ۲، ص ۶۳۲.

(۲) - المقنعه، ۳۶۳.

(۳) - علی بن بابویه (پدر صدوق (ره) مسجد بصره را تبدیل به مسجد مداین کرد و گفته: امام حسن علیه السلام در او نماز کرده و صدوق هر دو را گفته. [نک: المختلف، ۳ / ۲۵۷؛ ریاض المسائل، ۵ / ۵۱۹] مؤلف (ره).

نک: المقنعه، ۶۶ به نقل از ریاض المسائل، ۵ / ۵۱۹ و مدارک الاحکام، ۶ / ۳۲۳.

اعتکاف در اسلام، ص: ۳۶

جمعه گزارده است. و این روایت به اصطلاح اهل حدیث مرسل است. و حدیث مرسل مخصص قرآن نمی‌شود. به علاوه متن این حدیث خالی از اضطراب نیست، زیرا که عبارت صدر حدیث این است: «لا یكون الاعتکاف إلا فی مسجد جمع فیہ نبی او وصی نبی». یعنی اعتکاف نیست مگر در مسجدی که جمعه گزارده باشد در او پیغمبری یا وصی پیغمبری. و معلوم است که جمعه و جماعت هر دو از مختصات اسلام است، در پیغمبران سابق نبوده، پس صحیح آن است که گفته شود: «جمع فیہ النبی او وصیه». یعنی جمعه گزارده باشد در او پیغمبر صلی الله علیه و اله یا وصی او، ولی دیگران حمل بر افضلیت کرده‌اند، و صاحب عروه گفته است: احوط در صورت امکان یکی از این چهار مسجد است.

قول دیگر، جواز در هر مسجد به طور عموم، نظر به عموم آیه و حدیث حضرت صادق علیه السلام که فرمود: اعتکاف نیست مگر به روزه و در مسجد شهری که تو در آن هستی.

(۱) - همان.

(۲) - عروه الوثقی

(۳) - آیه ۱۸۷ سوره بقره.

(۴) - المعتمر، ۲ / ۷۳۳؛ المنتهی، ۲ / ۶۳۳، الوسائل، کتاب الاعتکاف، باب

اعتکاف در اسلام، ص: ۳۷

و این قول ابن ابی عقیل عمانی است.

قول دیگر اختصاص به مسجدی است که در او جمعه اقامه شود و مستند آن روایتی است که صدوق در مقنعه مرسل نقل کرده، فرموده: روایت شده که اعتکاف نیست مگر در مسجدی که در او جمعه خوانده شود به امام و خطبه و علامه از ابن جنید نقل کرده که فرموده حسین بن سعید از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده جواز اعتکاف را در هر مسجدی که در او امام عدلی جمعه گزارده باشد، و در مسجدی که نماز جمعه خوانده شود به امام و خطبه.

این هر دو حدیث نیز مرسل است و صاحب وسائل و دیگران حمل بر افضلیت کرده‌اند، ولی حدیث دوم فقط جواز اعتکاف را در این گونه مساجد اثبات می‌کند نه انحصار، پس منافی نیست با جواز در غیر آنها و حدیث اول هم ممکن است همین حدیث باشد و صدوق مختصر کرده و نقل به معنا

(۱) - نک: جواهر الکلام، ج ۱۷؛ ص ۱۷۰، المختلف؛ ۲۵۱؛ و چاپ جامعه؛ ۳/ ۵۸۷؛ مستند الشیعه؛ ۱۰/ ۵۴۹، تذکره الفقهاء؛ ۶/ ۲۴۴.

(۲) - المعبر، ۲/ ۷۳۲؛ مستند الشیعه، ۱۰/ ۵۵۰.

(۳) - المقنع، ۲۱۰؛ کافی، ۴/ ۱۷۶ (صدر ح ۱).

اعتکاف در اسلام، ص: ۳۸

فرموده باشد.

قول دیگر اختصاص به مسجد جامع است در هر بلدی و اگر مسجد جامع در بلدی متعدد باشد مخیر است، پس در مسجد محله و قبیله و مسجد بازار کافی نیست. و این قول را صاحب عروه فرموده و حاشیه کنندگان نامبرده شده نیز ساکتند، جز شیخ استاد ضیاء الدین عراقی که فرموده: بلکه در هر مسجدی که در او انعقاد جماعت شود.

مستند این قول حدیثی است از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: اعتکاف نیست مگر با روزه در مسجد جامع، و حدیث دیگر از آن حضرت از پدر خود که فرمود: معتکف اعتکاف کند در مسجد جامع، و حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: ما میر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: من نمی‌بینم اعتکاف را مگر در مسجد الحرام و مسجد رسول صلی الله علیه و اله و مسجد جامع.

قول دیگر تعمیم نسبت به هر مسجدی که در او اقامه جماعت شود، چنان چه از شیخ استاد ضیاء الدین عراقی نقل شد. و این قول نزد حقیر اقرب است و لکن با ملاحظه کثرت

(۱) - عروه الوثقی، ۲/ ۲۴۸.

اعتکاف در اسلام، ص: ۳۹

اجتماع نه صرف اقامه جماع مگر در قریه‌ای که اقامه جماعتش به افراد قلیلی است. خلاصه مسجدی که مورد توجه مردم و کثرت اجتماع است برای نماز جماع و با این قید با قول صاحب عروه و موافقینش نزدیک می‌شود، زیرا مراد از مسجد جامع که در اخبار است مسمی به اسم جامع نیست، بلکه اعتبار آن از جهت جامعیت و کثرت اجتماع است.

مستند این قول، حدیثی است از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: صلاحیت ندارد اعتکاف در غیر مکه مگر در مسجد رسول صلی الله علیه و اله یا مسجدی از مساجد جماعت. و حدیث دیگر از آن حضرت که فرمود: اعتکاف نمی‌باشد مگر در مسجد جماعت.

و حدیث دیگر از آن حضرت که فرمود: اعتکاف نمی‌باشد مگر در مسجد جماعت که امام عدل در او نماز جماعت گزارده باشد. صاحب وسائل و دیگران گویند امام عدل، اعم است از

(۱) - نک: جواهر الکلام، ۱۷/ ۱۷۱.

(۲) - تهذیب الاحکام، ۴/ ۲۹۳؛ وسائل الشیعه، ۷/ ۴۱.

(۳) - فروع کافی، ۴/ ۱۷۶.

(۴) - فروع کافی، ۴/ ۱۷۶.

اعتکاف در اسلام، ص: ۴۰

معصوم و این هم دور نیست.

و حدیث دیگر از آن حضرت که فرمود: صلاحیت ندارد اعتکاف مگر در مسجد الحرام، یا مسجد رسول، یا مسجد کوفه، یا مسجد جماعت، و به خصوص قید اخیر که این حقیر اضافه نمود ناظر است.

حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود:

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمود: من نمی‌بینم اعتکاف را مگر در مسجد الحرام، یا مسجد رسول، یا مسجدی که جامع جماعت باشد. و این حدیث به منزله شارح و مفسر است نسبت به احادیثی که ذکر مسجد جامع در آنها شده.

شرط انعقاد اعتکاف، روزه است

اعتکاف، محقق نمی‌شود مگر به روزه، خواه در ماه رمضان باشد یا غیر رمضان، پس کسی که به سبب عذری

-
- (۱) - وسائل، کتاب اعتکاف، باب ۳، ذیل ح ۹.
 - (۲) - الکافی، ۴، ۱۷۶؛ وسائل الشیعه، کتاب الاعتکاف، ب ۳، ج ۷.
 - (۳) - تهذیب الاحکام، ۴/ ۲۹۱.
 - (۴) - المقنع، ۲۰۹؛ المستدرک، ۷/ ۵۶۱؛ الکافی، ۴/ ۱۷۶.
- اعتکاف در اسلام، ص: ۴۱
- مثل مرض یا سفر متمکن از روزه نباشد یا متمکن است و بدون روزه بخواهد معتکف شود، اعتکاف نخواهد بود (حضرت صادق علیه السلام فرمود: اعتکاف نیست مگر به روزه). و این حدیث به طرق متعدده چون حلبی و محمد بن مسلم و عیید بن زرارۀ و ابی داود و داود بن الحصین روایت شده.
- و نیز در حدیث دیگر فرمود: هر کس اعتکاف کند روزه بگیرد.
- و در حدیث دیگر فرمود: و باید روزه بگیرد تا مادامی که معتکف هستی.
- و حضرت زین العابدین علیه السلام فرمود: روزه اعتکاف واجب است. و از حضرت رضا علیه السلام از آباء خود از امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: اعتکاف نیست مگر به روزه.

-
- (۱) - وسائل الشیعه، ۳/ ۴۰۲؛ الکافی، ۴/ ۱۷۶؛ التهذیب، ۴/ ۲۸۸.
 - (۲) - الفقیه، ۲/ ۱۱۹.
 - (۳) - مقصود وجوب شرطی است نه تکلیفی و الا قطع آن در روز اول و دوم هم باید حرام باشد و باید از اول هم نیت وجوب کند با این که چنین نیست. مؤلف (ره).
 - (۴) - وسایل الشیعه، ۲/ ۴۰۲؛ الکافی، ۴/ ۱۷۶؛ التهذیب، ۴/ ۲۸۸.
- اعتکاف در اسلام، ص: ۴۲

حدّ اعتکاف

حدّ اکثر اعتکاف محدود نیست، یک ماه تمام و دو ماه پشت سرهم، بلکه تمام دوره سال چنان که گذشت می‌تواند معتکف شود، و اما حداقل آن سه روز است. از سه روز کمتر اعتکاف منعقد نمی‌شود، حضرت صادق علیه السلام فرمود: اعتکاف سه روز است، یعنی سنت آن، و نیز فرمود: اعتکاف نمی‌باشد کمتر از سه روز و این حدیث به دو طریق نقل شده از ابو بصیر و عمر بن یزید. پس

در اصل نیت باید کمتر از سه روز نیت نکند و گفته‌اند که بیش از سه روز می‌تواند بماند، یک روز و نصف روز، اما اگر دو روز بماند روز سوم بر او واجب می‌شود، بلکه بعضی گفته‌اند به طور کلی هر دو روز که اضافه شود روز سوم واجب می‌شود.

(۱) - نک: مستند الشیعه، ۱۰/ ۵۴۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۴۲.

(۲) - فروع کافی، ۴/ ۱۷۸.

(۳) - الاستبصار، ۲/ ۱۲۸؛ تهذیب الاحکام، ۴/ ۲۸۹.

(۴) - الفقیه، ۲/ ۱۲۱؛ التهذیب، ۴/ ۲۸۹؛ الکافی، ۴/ ۱۷۷.

(۵) - التهذیب، ۴/ ۲۸۹؛ الاستبصار، ۲/ ۱۲۹.

اعتکاف در اسلام، ص: ۴۳

صاحب عروه در این گفته تأمل کرده است، و سید استاد اصفهانی، و شیخ استاد عراقی آن را اقوی دانسته‌اند و هم چنین این مسئله در مابین متقدمین نیز مورد اختلاف است و مستند حدیثی است از حضرت باقر علیه السلام که فرمود: هر کس سه روز اعتکاف کند، روز چهارم مخیر است، اگر بخواهد سه روز دیگر بیفزاید و اگر بخواهد از مسجد بیرون رود، ولی اگر دو روز بعد از آن سه روز بماند؛ پس نباید خارج شود تا سه روز را تمام کند.

حقیر گوید: تأمل صاحب عروه و غیر ایشان مورد ندارد، زیرا که خصوصیت ندارد سه روز اول با سه روزهای بعد، ولی باید دانست که مطلب دو تا است: یکی نیت ابتدائی و یکی نیت حادثه که از اول قصدش نبوده و بعد تجدد رأی برای او حاصل شده. و از صاحب عروه و محشین ظاهر نمی‌شود که مورد نزاع هر دو قسم است یا قسم اخیر و آن چه در نظر قوی می‌نماید آن است که بین این دو باید در حکم تفکیک شود آن چه این حدیث ناظر به اوست قسم دوم است، زیرا که

(۱) - عروه الوثقی، ۲/ ۲۴۸.

(۲) - الکافی، ۴/ ۱۷۷؛ الوسائل، کتاب الاعتکاف، ب ۴، ج ۳.

اعتکاف در اسلام، ص: ۴۴

حدیث ظاهر است در تجدد نیت بعد از سه روز.

بنابراین پس حکم واجب بودن روز سوم بعد از دو روز علی القاعده است، زیرا که این اعتکاف اعتکاف جدید است، نهایت متصل است به اعتکاف اول، پس چون در نیت اول نبوده جزء اعتکاف اول محسوب نمی‌شود، پس خود اعتکافی است مستقل، پس باید کمتر از سه روز نباشد، اتصال و انفصال اثری ندارد.

بنابراین هر چه اضافه شود با نیت حادثه و تجدد رأی اگر چه صد مرتبه باشد، باید هر دو روزی را تکمیل به روز سوم کند. زیرا که هر یک اعتکاف جددی مستقلی است.

و اما قسم اول چون این حدیث هیچ به او نظر ندارد پس بر همان اصل اول باقی است که جواز اعتکاف است مطلقاً، آنقدر که مسلم است آن است که اعتکاف کمتر از سه روز نشاید، اما اگر زیاده بر سه روز نیت کند دلیلی ندارد که زیاده یا باید یکی باشد و یا سه تا و هم چنین به هر سه که اضافه شود، بلکه صحیح است از اول نیت چهار روز و پنج روز و شش روز و هفت روز و هشت روز کند و هم چنین از عمل پیغمبر صلی الله علیه و اله نیز می‌توان استفاده نمود که هر سال ده روز و در یک سال بیست

اعتکاف در اسلام، ص: ۴۵

روز اعتکاف فرمود و معلوم است که بیست روز را که طرح بر سه نمائیم یک روز کسر دارد. پس باید بیست و یک روز اعتکاف

کرده باشد.

و ایضا جای سخن نیست که اعتکاف یک ماه و دو ماه هلالی صحیح است، با این که همه ماهها تمام نیست و کسی نگفته که اگر کسی بخواهد ماه رجب را مثلا اعتکاف کند یا نذر کند، باید سی روز تمام نیت کند، اگرچه ماه بیست و نه روز باشد.

نیت اعتکاف و وقت آن

نیت اعتکاف مانند نیت سایر اعمال واجبه و مستحبه است، پس در دل می گذرانند که اعتکاف می کنیم در فلان مسجد معین سه روز یا بیشتر نظر به محبوبیت و مطلوبیت آن برای درک فضیلت یا واجب قربۀ الی الله. و اما وقت اعتکاف، اگرچه نصّی بالخصوص در این باره نیست، ولی فقهاء به ملاحظه صدق روز شرعی روزه، روز اول را از وقت طلوع فجر تعیین کرده اند و روز آخر را در عروه غروب

(۱) - اگر نذر باشد، مؤلف (ر ۵).

اعتکاف در اسلام، ص: ۴۶

حمره مشرقیه گفته و مراد زوال حمره است و شاید در عبارت سقطی واقع شده و بعضی غروب گفته اند و شب اول را جزء ندانسته اند.

حقیر گوید: تعیین روز به روز وجهی ندارد، ولی چون اعتکاف مشتمل بر روزه است و باید سه روز مثلا روزه بگیرد در مسجد، پس باید از اول وقت روزه تا آخر وقت روزه در مسجد باشد و اگر شب اول را هم داخل کند در سه روز، به این که از اول غروب آفتاب در مسجد حاضر شود، شاید اولی و احوط باشد، چنان که علامه مجلسی فرموده: قطع اعتکاف پس از دو روز جایز نیست، مگر با شرط خیار در نیت.

اصل اعتکاف اگرچه مستحب است ولی اگر دو روز گذشت روز سوم واجب می شود، پس در روز اول و دوم حق فسخ دارد و اگر بخواهد در روز سوم هم حق فسخ برای او باقی باشد؛ باید مانند محرم شرط کند در حین نیت که اگر ضرورتی برای من رخ داد اعتکاف را قطع خواهم نمود.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: سزاوار است برای معتکف این که شرط کند (یعنی در نیت) چنان که شرط می کند شخص

(۱) - نک: الرياض، ۱/ ۳۳۴؛ مستند الشیعه، ۱۰/ ۵۶۲.

اعتکاف در اسلام، ص: ۴۷

محرم و به عمر بن یزید فرمود: شرط کن در اعتکاف بر پروردگارت، چنان که شرط می کنی در احرامت به این که ترا مجل کند از اعتکاف در نزد عروض عارضه بر تو از علتی که به امر خدا بر تو نازل می شود.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: هرگاه شخص یک روز اعتکاف کند برای او هست که از مسجد خارج شود و قطع اعتکاف کند (یعنی اگرچه بدون شرط) و اگر دو روز بماند (یعنی دو روز تمام) و شرط نکرده باشد، پس برای او نیست که خارج شود و فسخ اعتکاف کند تا این که سه روز را تمام کند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هرگاه یکروز اعتکاف کند و شرط نکرده باشد، پس برای او هست که خارج شود و اعتکاف

(۱) - فروع کافی، ۴/ ۱۷۷.

(۲) - از جعفریات از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: پدرم فرمود:

سزاوار است برای معتکف این که استثناء کند اعتکاف خود را پس بگوید: «اللهم انی ارید الاعتکاف فی شهری هذا فأعنی علیه فإن ابتلیتني فيه بمرض او خوف فأنا فی حلّ من الاعتکاف». (اعتکافه خ) پس فرمود: اگر او را چیزی برسد از این ابتلائات، پس او در حل است مؤلف (ره).

(۳) - الاستبصار، ۲/ ۱۲۹؛ التهذیب، ۴/ ۲۸۹.

(۴) - الکافی، ۴/ ۱۷۷؛ الفقیه، ۲/ ۱۲۱؛ التهذیب، ۳/ ۲۸۹؛ الاستبصار، ۲/ ۱۲۹.

اعتکاف در اسلام، ص: ۴۸

خود را فسخ کند و اگر دو روز بماند و شرط نکرده باشد، پس برای او نیست که خارج شود و اعتکاف خود را فسخ کند، تا این که سه روز بگذرد.

پس با شرط می‌شود که روز سوم را هم به هم زند، ولی نه شرط مطلق دل بخواهی، بلکه شرط خیار فسخ با عروض عارضه‌ای که عذر موجه شرعی یا عقلانی باشد.

این حال اصل اعتکاف است و اما اگر نذر کرده باشد هر سه روز یا هر مقدار که نذر کرده، از همان روز اول و ساعت اول واجب می‌شود و باید قصد وجوب کند و اگر نذر معین باشد مثل این که چند روز معین از ماه معین نذر کرده باشد، به هیچ وجه قطعش جایز نیست و قابل شرط هم نیست.

و اگر غیر معین باشد، پس اقرب این است که قابل شرط است و با اشتراط می‌تواند فسخ کند و تبدیل به روزهای دیگر کند، اگرچه احوط ترک اشتراط است، و اگر این شرط را بخواهد در صیغه نذر ذکر کند یا نیت کند، در صحتش خلاف است و اقوی جواز است.

اعتکاف در اسلام، ص: ۴۹

موجبات قهری قطع اعتکاف

بعضی از اسباب است که قهراً موجب قطع اعتکاف می‌شود، چون خراب شدن مسجدی که محل اعتکاف او است به طوری که قابل سکونت نباشد، و یا بیرون بردن جابری او را به قهر و طول بکشد به قدری که از صورت اعتکاف خارج شود، و یا حدوث چیزی که مانع از روزه است و روزه بروی حرام است، چون مرض یا حیض و نفاس برای زن و در این صورت اگر اعتکاف مستحبی بوده بعد از رفع مانع اعاده واجب نیست و اگر واجب بوده به نذر، پس اگر غیر معین باشد اعاده کند و اگر معین باشد اقرب نیز عدم اعاده است.

و اگر مسجد معینی را نذر کرده باشد و از بین برود چنان که قابل برگشت نباشد مثل این که جزء جاده شود، نذرش منحل شود، خواه از جهت ایام معین باشد و خواه غیر معین.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هرگاه معتکف مریض شود یا زن معتکفه حائض شود، به خانه رود و چون بره حاصل شد (یعنی رفع مانع شد) برگردد و روزه گیرد و اعاده کند.

(۱) - فروع کافی، ۴/ ۱۷۹.

اعتکاف در اسلام، ص: ۵۰

و نیز فرمود: هرگاه زن معتکفه خون ببیند به خانه خود رو و چون پاک شو برگردد و ادا کند آن چه بر اوست.

و حکم اعاده بر کسی است که اعتکاف بر او واجب باشد، چنانچه فرمایش آن حضرت: «آن چه بر او است» شاهد بر این امر است و در روایتی نیز فرمود: «لیس علی المریض ذلک». یعنی اعاده بر مریض نیست. و این محمول است بر غیر واجب یا واجب معین، چنان چه گفته شد.

اعتکاف در اسلام، ص: ۵۱

آداب اعتکاف

چون اعتکاف را سه حیثیت است: یکی حیثیت اصل اعتکاف که عبارت است از حبس کردن خود را برای عبادت، دوم حیثیت مسجد که این عمل در مسجد واقع می‌شود، سوم حیثیت روزه که اعتکاف مشروط به روزه است، پسمعتکف را سه نوع آداب است که باید رعایت کند:

اول آداب حرمت مسجد و حقوق نمازگزاران، دوم آداب و مستحبات روزه و اگر ماه رمضان یا ایام متبرکه دیگر باشد اعمال و ادعیه مسنونه آن نیز، سوم آداب اعتکاف فی نفسه. و آن مواظب بودن بر ترک منافیات و اجتناب محرمات اعتکاف است.

و اما از حیث عمل [و] دعا، عمل مخصوص و دعای مخصوص ندارد. بلی از دعائم الاسلام نقل شده از حضرت صادق علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و اله در دهه آخر خطبه خواند و

اعتکاف در اسلام، ص: ۵۲

سپس معتکف شد و شب‌ها را احیاء می‌داشت. تمام شب و هر شب بین مغرب و عشا غسل می‌کرد.

البته معلوم است چون معتکف خود را محبوس می‌کند برای خدا، پس مستحسن است که اوقات خود را وقف خدا کند، نمازهای فریضه را با جماعت و با تعقیبات و مستحبات آن بگذارد، و نوافل روز و شب را ترک نکند و به قرآن و دعا و ذکر مشغول باشد و از کسب علم و سئوالات علم دین نیز بهره برد و خود را از لهو و لغو و غیبت و سب و فحش و غیره و استماع آنها باز دارد، تا نتیجه کامل به او برسد و به وجه اتم و احسن بهره‌برداری کند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و اله هر گاه دهه آخر ماه رمضان می‌شد برای او در مسجد خیمه موئی می‌زدند و دامن به کمر می‌زد برای عبادت (یعنی خود را به تمام جهت آماده برای عبادت می‌کرد) و رختخواب بر می‌چید (یعنی کم می‌خوابید و به راحتی خوابگاه نمی‌پرداخت).

و در بحار از دعائم الاسلام نقل کره از امیر المؤمنین علیه السلام که

(۱) - دعائم الاسلام، ۱/ ۲۸۶.

(۲) چون در آن وقت مسجد پیغمبر صلی الله علیه و اله مسقف نبود، مؤلف (ره).

اعتکاف در اسلام، ص: ۵۳

فرمود: معتکف باید ملازم مسجد باشد، و ملازم ذکر خدا و تلاوت قرآن و نماز باشد بقیه حدیث ذکر خواهد شد.

تروک اعتکاف

معتکف چیزهائی را باید اجتناب کند، اول همه بیرون رفتن از مسجد مگر در مستثنیاتی که ذکر می‌شود و چون اعتکاف حبس نفس و وقف نفس است برای عبادت، از این جهت شبیه به عمره است و یک نوع احرام بستن است برای خدا، نهایت این که عمره مخصوص به مسجد الحرام و کعبه است و این احرام برای همه مساجد است، پس از این جهت بعضی از تروک احرام در اعتکاف

اعتبار دشه، یکی مقاربت زنان چنانچه خدا فرمود: «و لا تباشروهنّ و انتم عاكفون فی المساجد» و این از جهت روزه نیست بلکه در شب نیز جایز نیست.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: معتكف اگر به اهل خود نزدیکی

(۱) - دعائم الاسلام، ۱/ ۲۸۶؛ بحار الانوار، چاپ ایران، ج ۹۷، ص ۱۳۰.

(۲) - سوره بقره، آیه ۱۸۷.

اعتكاف در اسلام، ص: ۵۴

کند بر او كفاره ظهار است.

و حضرت صادق علیه السلام فرمود: به منزله کسی است که روزه ماه رمضان را متعمدا افطار کرده باشد، یا یک بنده آزاد کند، یا دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد و یا شصت مسکین طعام دهد.

کفاره ظهار و كفاره روزه ماه رمضان یکی است ولی در كفاره ماه رمضان مخیر است که هر کدام از بنده و روزه و اطعام را که خواهد اختیار کند. و در كفاره ظهار ترتیب است:

اول بنده آزاد کردن، اگر نشد روزه گرفتن و اگر نشد اطعام شصت مسکین، ولی مشهور بلکه نقل اجماع شده است در اینجا نیز بر تخیر.

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: معتكف نباید با عیال خود نزدیکی کند تا وقتی که معتكف است نه در شب و نه در روز.

و فرمود: اگر این عمل در شب ماه رمضان انجام گرفت، بر او یک كفاره است و اگر در روز ماه رمضان انجام گیرد دو

(۱) - الوسائل، کتاب الاعتكاف، ب ۶، ح ۱؛ الکافی، ۴/ ۱۷۹؛ الفقیه، ۲/ ۱۲۲؛ التهذیب، ۴/ ۲۹۱؛ الاستبصار، ۲/ ۱۳۰.

(۲) - التهذیب، ۴/ ۲۹۲؛ الاستبصار، ۲/ ۱۳۰؛ الکافی، ۴/ ۱۷۹؛ الفقیه، ۲/ ۱۲۳.

اعتكاف در اسلام، ص: ۵۵

كفاره باید بدهد، یکی كفاره روزه و یکی كفاره اعتكاف.

و این حکم برای زن و مرد مساوی است، پس اگر هر دو معتكف باشند، اگر در شب باشند دو كفاره و اگر در روز باشند چهار كفاره است.

از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: زنی به اذن شوهرش معتكف شده و شوهرش غایب بود و چون خبر آمدنش به آن زن رسید، از مسجد بیرون شد و خود را برای شوهر آماده ساخت پس با او نزدیکی کرد.

فرمود: اگر شرط نکرده و پیش از تمام شدن سه روز بیرون رفته، پس بر اوست كفاره ظهار، یعنی روز سوّم بوده پیش از تمام شدن روز، یا روز اول و دوم بوده و لیکن بدون نیت و قصد قطع بیرون رفته با این که می‌توانسته با عدم شرط هم قطع کند.

استمناء را نیز جمعی ملحق به مباشرت زنان کرده‌اند ولی نصّی بر او نیست. بلی خود یکی از محرمات مطلقه است که اختصاص به روزه یا اعتكاف ندارد. و نیز از مبطلات روزه

(۱) - الفقیه، ۲/ ۱۲۲؛ الوسائل، کتاب الاعتكاف، ب ۱، ج ۴.

(۲) - نک: الخلاف، ۲/ ۲۳۸؛ مستند الشیعه، ۱۰/ ۵۶۸.

اعتكاف در اسلام، ص: ۵۶

است چه روزه اعتکاف و چه غیر آن و در روزه رمضان مستلزم کفاره است، پس در اعتکاف اگر در شب باشد تنها حرمت است و اگر در روز باشد روزه و اعتکاف باطل است و اگر در ماه رمضان باشد کفاره نیز هست.

اعتکاف در اسلام، ص: ۵۷

سوم و چهارم و پنجم از تروک اعتکاف

اشاره

سوم نیز از تروک احرام است و آن بوئیدن بوی خوش است. بلکه به ریحان هم تلذذ نکند (یعنی بر وجه لذت نبوید). چهارم مراء است. یعنی بحث و مجادله به قصد مغالبه و تشکیک بر خصم. پنجم خرید و فروش است. و این مختص معتکف است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: معتکف نباید بوی خوش را ببوید و نه به ریحان تلذذ کند و نه مراء کند و نه بخرد و نه بفروشد. و ظاهر از بوی خوش و ریحان همان بوئیدن است، اما خوردن ریحان یا مانند زعفران حرمتش معلوم نیست، گرچه ترکش بهتر است و هم چنین ظاهر مراء بحث بر وجه اراده

(۱) - فروع کافی، ۴ / ۱۷۸.

(۲) - همان.

اعتکاف در اسلام، ص: ۵۸

غلبه بر خصم و به تردید انداختن اوست با دانستن این که حق با اوست، اما اگر بر وجه بیان حق و فهماندن او باشد بی‌اشکال است، ولی مشروط به این که به جدل نکشد که خود جدل فی نفسه منع از او شده. و ظاهر خرید و فروش عموم است، پس هرگونه خرید و فروش را ترک کند، حتی امور خروونی مگر این که ضرورت باشد و بهتر آن است که اگر کسی پیدا شود که معتکف نباشد، به او دهد تا حوائجش را بخرد.

جمعی از متقدمین و صاحب وسائل یکی از محرمات را راه رفتن در زیر سایه شمرده‌اند در هنگام بیرون رفتن، ولی روایت نشستن در زیر سایه دارد، صاحب عروه بعد از نشستن در زیر سایه فرموده: بلکه احوط این است که در زیر سایه نیز راه نرود. و محشین نیز ساکتند و شاید وجه احتیاط همان فتوای متقدمین و صاحب وسائل است ولی مدارکی ندارد.

علامه مجلسی نیز فرموده: بهتر آن است که زیر سقف راه نروند.

در بحار از علائم الاسلام نقل کرده از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: معتکف باید ملازم مسجد باشد و ملازم باشد بر ذکر

(۱) - عروه الوثقی، ۲ / ۲۵۶.

اعتکاف در اسلام، ص: ۵۹

خدا و تلاوت قرآن و نماز، و سخن دنیا نگوید، و شعر نخواند، و بیع و شراء نکند، و به جنازه حاضر نشود، و عیادت مریض نکند، و با زن خلوت نکند، و سخن از جماع نکند، و فحش بر زبان جاری نکند، و با کسی مراء و جدال نکند، و هرچه زبان ببندد از سخن گفتن با مردمان برای او بهتر است.

حقیر گوید: نهی تشییع جنازه و عیدت مریض شاید در غیر موردی است که لابد و ناچار است، چنان چه حضرت صادق علیه السلام

فرمود.

مواردی که بیرون شدن از مسجد ترخیص شده:

حضرت صادق علیه السلام فرمود: معتکف باید از مسجد خارج نشود مگر برای حاجتی و نیز فرمود: از مسجد خارج مشو مگر برای حاجتی که ناچاری از آن و چون خارج شوی منشین در زیر سایه تا این که برگردی به محل خود. یعنی طول و مکث تو در خارج مسجد باید به مقدار حاجت

(۱) - خرید و فروش.

(۲) - دعائم الاسلام، ۱/ ۲۸۶؛ بحار الانوار، ج ۹۷/ ۱۳۰.

(۳) - تهذیب الاحکام، ۴/ ۲۹۳.

(۴) - فروع کافی، ۴/ ۱۷۸.

اعتکاف در اسلام، ص: ۶۰

باشد، نه این که سروپا ایستادن خصوصیتی دارد. یا در خصوص سایه نشستن خصوصیت دارد که اگر در بیرون از سقف یا در آفتاب نشست مانعی ندارد. گرچه بهتر رعایت ترک نشستن است مطلقاً در سایه و غیر سایه و زیر سقف و غیر سقف و راه رفتن در سایه نیز نظر به موافقت فهم دیگران.

و نیز فرمود: سزاوار نیست برای معتکف این که از مسجد خارج شود مگر برای حاجتی که ناچار از آن است و هم ننشیند تا این که برگردد. و زن هم در حکم این چنین است.

و نیز فرمود: معتکف نباید خارج شود برای هیچ چیز مگر برای تشییع جنازه یا عیادت مریض و نشیند تا این که برگردد. و اعتکاف زن هم چنین است.

و نیز فرمود: بر معتکف نیست که خارج شود مگر برای نماز جمعه (یعنی در وقت وجوبش) یا برای جنازه، یا برای قضای حاجت (یعنی بول و غائط).

و نیز فرمود: معتکف در غیر مکه نماز فریضه را باید در

(۱) - الکافی، ۴/ ۱۷۶؛ الفقیه، ۲/ ۱۳۰؛ التهذیب، ۴/ ۲۹۰.

(۲) - فروع کافی، ۴/ ۱۷۸.

اعتکاف در اسلام، ص: ۶۱

مسجدی که اعتکاف نموده به جا آورد و نباید به جای دیگر خارج شد و اما اگر در مکه اعتکاف کند در هر جا که نماز گزارد جایز است.

حدیث اطلاق دارد از حیث جماعت یا غیر جماعت، ولی صاحب عروه از موارد جواز خروج برای نماز جماعت را شمرده و آیه الله بروجردی فرموده: خالی از اشکال نیست در غیر مکه.

حقیر گوید: اگر استثناء جماعت نظر به حدیث است، حدیث دلالت بر آن ندارد، بلکه اطلاق دال بر عدم ترخیص است. و اگر نظر به حدیث نیست. دلیلی ندارد. پس جایز نیست نه خالی از اشکال نیست.

بلی ممکن است نماز جماعت را داخل در اطلاق حاجت کرد، لکن اجتناباً از آنکه لابد و ناچار است و هم مفسّر است به

موارد منصوصه و الا خصوصیی برای نماز جماعت نیست، بلکه باید گفت برای هر عمل مسنون و مستحبی جایز است بیرون رفتن و این مشکل است جدا.

(۱) - فروع کافی، ۴/ ۱۷۷.

(۲) - عروۃ الوثقی، ۲/ ۲۵۵.

اعتکاف در اسلام، ص: ۶۲

بلی اگر فرض شود که نماز جماعت بر او واجب شده باشد از پیش به نذر یا شبه نذر جایز است بلکه واجب است بیرون رفتن، اگر در آن مسجد اتفاقاً اقامه جماعت نشود، چنان که واجب است برای واجبات دیگر که پیش آمد کند، مانند اداری دین، و اگر ترک کند اعتکافش باطل نمی‌شود، ولی در ترک جماعت اگر بر او به نذر واجب شده باشد نمازش باطل است، مگر این که وقتی بخواند که جماعت‌ها تمام شده باشد.

دیگر برای برآوردن حاجت مؤمن: شیخ صدوق از میمون بن مهران نقل کرده که گفت: با حسن بن علی علیهما السّلام بودم که مردی وارد شد عرض کرد: یا ابن رسول الله، فلان از من مالی می‌خواهد و می‌خواهد که مرا حبس کند فرمود: به خدا من چیزی ندارم که ادا کنم.

عرض کرد: پس با او سخن بگوئید.

پس حضرت نعلین خود را پوشید و به راه افتاد، عرض کردم: یا ابن رسول الله، اعتکاف خود را فراموش کردی؟ فرمود: نه و لیکن شنیدم از پدرم که از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و اله نقل کرد که فرمود: هر کس سعی کند در حاجت برادر مسلمان

(۱) - کفش.

اعتکاف در اسلام، ص: ۶۳

خود، چنان است که عبادت کرده خداوند را نه هزار سال. و نظیر این از ابن عباس نقل شده گفت: با حسن بن علی علیه السّلام در مسجد الحرام بودم و آن حضرت معتکف بود و مشغول طواف کعبه بود که مردی از شیعیانش آمد تا آخر، و لکن در آخر فرمود: هر کس حاجت برادر مؤمن خود را برآورد، مانند کسی خواهد بود که نه هزار سال عبادت خدا کرده باشد در حالتی که روزهایش روزه و شبهایش به عبادت ایستاده باشد.

و از جمله حاجات، غسل جنابت است که واجب است، بلکه غسلهای مستحب نیز چون غسل جمعه، و هم چنین وضوء چه واجب و چه تجدیدی و بعد از این مطلق چیزهایی که ضرورت و ناچاری ایجاب کند و در غیر آن احتیاط را رعایت باید کرد، و چون بیرون رفتن باید ضرورت باشد، پس اگر برای حاجتی خارج شد هرچه زودتر حاجتش را انجام دهد و هر راهی که نزدیکتر به مقصد است آن راه را اختیار کند. و هم چنین در کیفیت برآمدن مقصود، هر وجهی که زودتر صورت

(۱) - من لا یحضره الفقیه، ۲/ ۱۲۳؛ وسائل الشیعه، کتاب الاعتکاف، ب ۷، ح ۴؛ مستند الشیعه، ۱۰/ ۵۵۸؛ مدارک الاحکام، ۶/ ۳۳۲.

(۲) - بحار الانوار، ج ۹۷/ ۱۲۹ به نقل از عدة الداعی.

اعتکاف در اسلام، ص: ۶۴

می‌گیرد، همان را اختیار کند.

بسیاری خارج شدن برای اقامه شهادت را نیز گفته‌اند و مدرک بالخصوص ندارد، پس اگر ضرورت نباشد احتیاط در ترک است، مگر این که از باب برآوردن حاجت مؤمن باشد.

سایر تروک احرام:

صاحب عروه بعد از مذکورات فرموده: اقوی عدم وجوب اجتناب است از آن چه بر محرم حرام است، از شکار و ازاله مو و پوشیدن لباس دوخته و امثال آن، اگر چه احوط است، و محشین نامبرده شده همه ساکنند. و نیز در حرمت مباشرت زنان فرموده: حتی لمس کردن و پوشیدن از روی شهوت، چه زن و چه مرد، اما نظر کرن از روی شهوت به حلال خود، اقوی عدم حرمت است، اگر چه احوط اجتناب است. محشین نیز ساکنند. و باز فرموده: آنچه روزه را باطل می کند اگر در روز واقع

(۱) - علامه مجلسی نیز فرموده: حرام است و احوط اجتناب است حتی بدون شهوت. مؤلف (ره)

(۲) - عروه الوثقی، ۲/ ۲۵۸ - ۲۵۹.

اعتکاف در اسلام، ص: ۶۵

شود اعتکاف را نیز باطل می کند زیرا اعتکاف مشروط به روزه است.

و فرموده: هم چنین باطل می شود اعتکاف به جماع و لمس و بوسیدن، چه در شب و چه در روز. و محشین در هر دو حکم ساکنند. و باز فرموده: بلکه احوط بطلان اعتکاف است به همه محرمات مذکوره بر معتکف، از بیع و شراء و بوئیدن بوی خوش و غیر اینها، بلکه خالی از قوت نیست، اگر چه خالی از اشکال هم نیست.

و از محشین فقط شیخ استاد عراقی فرموده: در مبطلیت این امور نظر است.

و آیه الله بروجردی فرموده: این قوت ممنوع است. و علی کل حال لازمه بطلان، اعاده است اگر اعتکاف واجب باشد، ولی صاحب عروه چون در مذکورات اخیر فرموده: خالی از اسکال نیست، لهذا فرموده: پس اولی و احسن این است که

(۱) - عروه الوثقی، ۲/ ۲۵۹ - ۲۶۰.

(۲) - علامه مجلسی و دیگران نیز چنین فرموده‌اند. مؤلف (ره)

(۳) - عروه الوثقی، ۲/ ۲۶۰.

(۴) - همان مصدر.

اعتکاف در اسلام، ص: ۶۶

در واجب قضا کند، علامه مجلسی فرموده: سایر محرمات غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف نمی شود و کفاره واجب نمی شود.

حقیر گوید: اما حرمت هر چیز که بر محرم حرام است، مستندی ندارد.

صاحب ریاض فرموده: این قول ضعیف است. و محقق فرموده: ثابت نشده و صاحب جواهر فرموده: شکی نیست در ضعف او، و سیره پیغمبر علیه السلام و اصحابش برخلاف اوست.

و اما بوسیدن و لمس به شهوت، مبنی است بر استفاده آن از نهی از مباشرت در آیه. «و لا تبشروهن». و در دلالت، نظر است، لکن صاحب جواهر فرموده: خلافتی در این نمی بینم، و صاحب ریاض فرموده: بدون خلاف است.

پس احوط اجتناب است، ولی مبطل روزه نیست، پس مبطل اعتکاف نیست.

(۱) - همان مصدر.

(۲) - ریاض المسائل، ۵/ ۵۳۹

(۳) - سوره بقره، آیه ۱۸۷.

(۴) - جواهر الکلام.

(۵) - ریاض المسائل، ج ۵، ص ۵۳۶.

اعتکاف در اسلام، ص: ۶۷

و اما هرچه روزه را فاسد کند مبطل اعتکاف است، آن هم بدون خلاف است، چون اعتکاف مشروط به روزه است و چون شرط فاسد شود مشروط نیز فاسد شود.

و امّا بطلان اعتکاف به آوردن محرمات خاصّه معتکف؛ آن هم وجهی ندارد جز این که نهی موجب فساد است، ولی از نهی جز حرمت تکلیفی استفاده نمی‌شود، پس مبطل نخواهد بود، و بر فرض بطلان و یا بطلان روزه به مفطرات آن مستلزم کفاره نیست جز کفاره روزه و کفاره در بطلان اعتکاف مخصوص است به جماع چه در شب و چه در روز از جهت نصّ.

اعتکاف در اسلام، ص: ۶۸

فوائد و آثار اعتکاف یا اسرار آن:

این منی مسلم است که غرض از بعثت پیغمبران سوق دادن مردم است به سوی غرض خلقت که عبودیت و

(۱) - چنان که فرموده: «ما خلقت الجنّ و الانس الاّ ليعبدون» [الذاریات، آیه ۵۶].

این آیه در تفاسیر شیعه و سنی و هم چنین از اهل بیت علیهم السّلام به همان عبادت تفسیر شده و فقط در کتب صوفیه دیده می‌شود که «لِيعْبُدُونَ» را به «لِيعْرِفُونَ» تفسیر کرده‌اند و این از آن جهت است که آیه را برای عرفانی که خود وضع کرده‌اند شاهد کنند، ما منکر نیستیم که خلقت برای معرفت نیز هست، چنان که حضرت سید الشهداء علیه السّلام نیز فرمود: خداوند بندگان را خلق فرمود تا او را بشناسند و چون بشناسند او را اطاعت کنند.

[المیزان، ۱۸/ ۴۲۳].

و نیز منکر نیستیم که عبادت بی‌معرفت نشاید، ولی سخن در این آیه است که به معنی «لِيعْرِفُونَ» باشد، آن هم معرفتی که هر کس به گمان خو فرض کند، گاهی تفسیر ب «لِيعْرِفُونَ» نسبت داده می‌شود به ابن عباس، ولی در تفسیر ابن عباس، طبع مصرو وجود ندارد بلی ابو الفتوح از مجاهد نقل کرده که گفته: اُی ليعرفون. مؤلف (ره)

اعتکاف در اسلام، ص: ۶۹

بندگی است، و هم صفا دادن روح است از لوث معاصی و کدورات اخلاق، تا باز به صفای روح میل به تقرب به حق کند و بر عبودیت بیفزاید و شوق به معارف حقّه پیدا کند و باز از شوق او را جدیت بر خلوص بندگی حاصل آید و معلوم است که هر چیزی را اسبابی است، پس عبودیت را نیز اسباب و طرقی باید و هر صاحب عقلی که به عقل خود مراجعه کند می‌فهمد که وضع اسباب و طرق عبودیت بر عهده پیغمبران است نه بر عهده دیگران، زیرا که پیغمبران موظف به این وظیفه‌اند و فرستاده شده‌اند برای تبلیغ این مراسم شریفه و آن چه ایشان وضع کنند از خود وضع نکرده‌اند، بلکه «ان هو الاّ وحی یوحی» است، پس در حقیقت ایشان مبلّغند، و وضع کننده خداست و مسلم است چیزی را که خداوند طریق عبودیت و تقرب خود قرار دهد، نه تنها بهتر است از آن چه

بشر خود وضع کند، بلکه او حق است و هرچه غیر اوست باطل، پس در تشخیص اسباب بندگی و ترکیب ادعیه و اعمال، و اورادی که صفادهنده روح و بخشنده معنویات و کرامات قرب است، تنها دیده انبیاء و اوصیای گرامی ایشان

(۱) - سوره النجم، آیه ۴.

اعتکاف در اسلام، ص: ۷۰

بینا و محکم است، غیر را در این امور مدخلیتی نیست و فقط بر ایشان سزاوار است که گفته شود طیبیان روح و بر غیر ایشان، وضع شیء در غیر محل است.

پیغمبر گرامی صلی الله علیه و اله اسلام و اوصیای گرامی او در این باره چیزی فروگذار نکرده و مانند اطبای بدن معجون‌ها برای روح ساخته و ترکیباتی مناسب با تقرب و صفای روح در هریک به کار برده که هر انسانی را که قصد بندگی و صفای باطن داشته باشد او را کافی است و همانها او را به نهایت اوج تقرب و معنویت می‌رساند و هیچ حاجتی به فضولی دیگران و بافته‌های ایشان نیست.

«و لَکِنَّ اللَّهَ یُضِلُّ مَنْ یُشَاءُ وَ یَهْدِیْ مَنْ یُشَاءُ».

همچنان که معجون‌های طبی هر کدام دارای اثر خاصی است و معجون‌های متشابه همه دارای یک اثر متشابه مشترک، ولی هر کدام را به سبب کمی و زیادی اثر مخصوصی است و باز تأثیرات آنها در شدت و ضعف به سبب فصول و ازمنه مختلف شود و هم چنین به حسب بلدان و امکان از اختلاف طبع هواها در طبایع چهارگانه، هم چنین

(۱) - سوره نحل، آیه ۹۳.

اعتکاف در اسلام، ص: ۷۱

شارع مقدس عبادات مختلف وضع کرده با ترکیبات مخصوصه که در همه جنبه تقرب و عبودیت و صفای روح و معنویت حاصل است، امّا هریک را بالخصوص اثری است مخصوص که در دیگری نیست، نماز را اثر خاصی است و روزه را اثر خاص، و حج را اثری دیگر، و هم چنین در مستحبات حتی نمازهای مستحبی هریک را به سبب اختلافی که با یکدیگر دارند، آثار خاصی است و لهذا علما گفته‌اند که باید جدیت نمود و هر عمل مستحبی را به جا آورد اگرچه در تمام عمر یک مرتبه.

و به وجهی دیگر اعمال و عبادات شرعیه و ادعیه و اوراد به منزله فواکه (میوه‌ها) هستند که هریک را فایده خاصی و اثر خاصی است، آن برای بدن، و این برای روح و کسی که اقتضای بر بعضی از عبادات کند، مانند کسی است که ذائقه او بعضی از میوه‌ها را نپسندیده، لا جرم بدن او خاصیت آن را به خود نگرفته.

و همچنان که هر دارو و معجونی که ترکیبات او با شرط تناسب بیشتر باشد؛ آثار و خواصش بیشتر است، هم چنین هر عمل شرعی که اعمالش بیشتر است آثار روحیه‌اش بیشتر

اعتکاف در اسلام، ص: ۷۲

است، مانند حج مثلاً.

و هم باید دانست که همچنان که هر دارو اعم از مفرد و مرکب و اعم از این که ترکیبش کم یا زیاد تأثیرش منوط به حصول شرائطی است که مبتکرش از خواص آنها درک کرده، هم چنین تأثیر اعمال شرعیه منوط است به شرائطی که شارع مقدسش نظر به بصیرتی که بر خواص اعمال دارد مقرر فرموده، از قبیل خلوص نیت و اجتناب از غذای حرام و شبهه و سایر اموری که محقق تقوی است و بدون اینها اثر نخواهد بخشید.

شبهه نیست که نماز افضل همه طاعات است از واجبات و مستحبات. و بعد از نماز، روزه ولی این منافی با بیانی که عرض شد نیست، این افضلیت از جهت سازش و موافقت این دو است با عموم افراد و امکان حصول آن از همه، نظیر افضلیت نان و گوشت است بر سایر غذاها، که در اخبار مدح بسیار از این دو شده و تأکید از پیغمبر علیه السلام شده که فرمود:

«علیکم بالاحمرین» بر شما باد به دو سرخ، (یعنی گندم و گوشت) چون نان و گوشت غذای عمومی خلق است بر حسب طبیعت خلقت که خداوند بشر را بدینسان آفریده که هر

اعتکاف در اسلام، ص: ۷۳

مزاجی با این دو سازش دارد، لهذا خلاق عالم گندم و گوشت را در همه جا مانند آب فراوان ساخته که هر بشری استفاده اولیّه را در حد امکان بتواند بکند، همچنین نماز و روزه را در امر تقرب و صفای روح دو غذای روحی و معنوی است که شارع مقدس بنای بر چیز، عمومیت نوعی آن را ادارک فرموده و به وجه عموم بر نوع فریضه کرده، تا تقرب و صفای روح و معنویات اولیّه برای هر کس در حد وسع و امکان باشد که اگر متمکن از غیر آن نباشد از زکات و حج و جهاد و غیره، بی بهره از آثار و خواص اولیّه لازم نباشد و هر کس درخور امکانش بتواند بهره روحی و تقرّبی ببرد. پس از این جهت این دو افضل از همه عبادات است.

آن چه گفته شد وجه افضلیت و بیان حکمت بود در مقام انتخاب حق این دو را، ولی پس از انتخاب و تعلق به امر و ایجاب، دیگر چیزی برابری با این دو نمی کند و هیچ چیز جای این دو را نمی گیرد، اگرچه عمل دهر باشد و همچنین واجبات اصلیه و اولیّه اسلام چون زکات و حج و از این جهت تارک هر یک کافر شمرده شده و این چهار رکن اسلام خوانده شده و فرق بین زکات و حج و بین نماز و روزه آن است که آن دو

اعتکاف در اسلام، ص: ۷۴

برای عموم افراد است، و این دو برای عموم طبقات متمکنه.

از آنجا که بنای دین مقدس اسلام بر عسر و حرج نیست که فرموده: «ما جعل الله علیکم فی الدّین من حرج» و فرمود: «یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر».

در مقام ایجاب و فرض اقتضای فرموده بر چندی از اعمال و عبادات، همان اندازه که هیچ کس از فیوضات رحیمیه اولیّه محروم نباشد، هرچند از سایر چیزها سرپیچی کند یا تنبلی بورزد و اگر از این مقدار کم که سهل و آسان است و درخور امکان است سر به پیچد؛ خود در حق خود ستم کرده و موجب محرومیت فراهم آورده و مستحق راندن و عقوبت باشد و آنچه زائد بر این مقدار است از موجبات درک کمالات و فضائل و نیل به مقامات و درجات وضع آن نیز فرموده و به محبوبیت و مطلوبیت و جهات حسن آن تصریح نموده، و در رحمت از این رو بر همه گشوده واجب کرده، ولی نه به آن اهتمام و یا مستحب فرموده و امر را به اختیار خواستار گذارده تا هر کس زیاده خواهد راه بدان باشد: «من شاء استقلّ و من

(۱) - سوره حج، آیه ۷۸.

(۲) - سوره بقره، آیه ۱۸۵.

اعتکاف در اسلام، ص: ۷۵

شاء استکثر»

از جمله عبادات مسنونه که مشتمل بر بسیاری از اعمال و بسیاری از فوائد و آثار است و به استحباب گذارده شده تا هر کس اهلش باشد از فیض محروم نماند «اعتکاف» است به شروطی که ذکر شد.

راستی اگر کسی با دقت تأمل کند در شروط و کیفیتی که در او اعتبار شده به حقیقت خواهد یافت که چه آثاری در او نهان است

و حامل چه اسراری است که زبان عاجز از بیان است، ولی متأسفانه چون نام مستحب بر او نهاده شده، حقیقتش از بصائر پنهان گشته. و همچنان که استجابش رسمش را گمنام کرده، آثار و اسرارش را بی‌نام ساخته، استجابش سبب شده که کم کسی دقت در او کند و اسراری را از او برملا سازد، راستی کسی سه روز یا بیشتر دل برگیرد از آشغال دنیوی و از خانه و زن و فرزند، و در خانه‌ای از خانه‌های خدا جاگزیند، و زبان را از غیر ذکر خدا ببندد و چشم و گوش را از لذائذش محروم کند، و دل را فارغ برای خدا و خود را فارغ برای عبادت و در کنج مسجدی مانند اسیری خود را حبس

(۱) - زندانی.

اعتکاف در اسلام، ص: ۷۶

کند، و چون عبد ذلیل شب و روز بر درگاه ربّ جلیل استغاثه کند، و روز را به روزه بگذرانند، و هر لحظه مترقّب الطاف حق باشد، دنیا و هوی را پشت سر افکنده و خدا را مدّ نظر آورده، گاه در قیّم و گاه در قعود و گاه در رکوع و گاه در سجود و گاه در تضرّع و مناجات و گاه در تلاوت آیات و گاه در ادعیه و اذکار، با دل بریان و اشک‌ریزان، دست طلب، به سوی خالق برداشته و چشم امید از هر طرف جز به ربّ مجید بریده، خود را از مخلوق بیرون کشیده و هر رشته را گسسته و یکدله به خالق پیوسته، جز پناه خالق پناهی به خود ندیده به هر طرف شتافته ملجائی نیافته، ناچار گشته به دربار عظمت حق شتافته تا شاید در این چند روزه مورد لطف و عنایت گردد، تنها به حبس خود اکتفا نکرده، بلکه به اعمال مقربّه نیز پرداخته تا اگر از حبسش در روز اول مشمول عنایت نشود در روز دوم، و اگر نه در روز سوم و هم چنین مشمول عنایت شود و اگر از جنبه حبس نشد، به خاطر مسجد مورد ترحم شود. و اگر نشد، به خاطر روزه، و اگر نشد، به خاطر اذکار و عبادات. و اگر نشد، به خاطر ترک دنیا و ترک هوای نفس، بالاخره یکی از اینها موجب شود که مورد عطوفت گردد، آه آه چگونه

اعتکاف در اسلام، ص: ۷۷

خداوند رحیم و رحمان و رؤف و مهربان زنده را به این وصف از در کرم خود براند و از عطیّات الهیه ربّانیّه محروم گرداند؟! حاشا بر بنّا الکَریم، ما هکذا الظنّ بک و لا المعروف من فضلک. عجب است! با این وصف از دو کس عجب است:

[سخنی درباره چله‌نشینی:]

اول؛ از صوفیه که خود را مسلمان می‌دانند و با وجود چنین دستور خلوت در اسلام از سه روز تا یک سال، باز هم برای خود به نام خلوت «چله» را بدعت کرده‌اند از یک چله تا چهل چله و بیشتر، آن هم با کیفیت و آدابی که خود جعل کرده‌اند. و در حقیقت تعجّب نه از ایشان است و این گفته هم نه برای تذکر ایشان است، بلکه زیرا که از اهل بدعت و کسانی که در مقابل اسلام و تشیع فرقه ساختند و خود را مجزّی

(۱) - گویند اربعین سنت حضرت موسی علیه السّلام است و جناب پیغمبر صلی الله علیه و اله ادا نفرموده‌اند. این عمل در طریقه نقشبندیّه نیز بدعت محسوب می‌شود نک: منهاج الراغبین، ج ۱، ص ۲۵۰.

اعتکاف در اسلام، ص: ۷۸

نموده‌اند، چیزی جز بدعت انتظار نمی‌رود، بلکه تعجّب از کسانی است که خود را از آنها نمی‌دانند و ایشان را بزرگ می‌گمارند و اهل ریاضت و صاحب مقامات می‌شمارند، با این که ریاضات ایشان جز همین که او را چله نام کرده‌اند نیست. و مقاماتی که برای

خود ادعا می‌کنند جز از راه همین ریاضات و چله مجعوله نیست. چگونه با اعمال بدعت و جعلی انسان دارای کمالات و مقامات می‌شود؟ معاذ الله اینها نیست جز امدادات شیطان «و اخوانهم یمدّونهم فی الغی ثم لا یقصرون».

و نیست جز الهامات شیطانی «انّ الشیاطین لیوحون الی اولیائهم».

اگر فی قلوبهم مرض نیست، چه احتیاجی به چله داشتند؟

با مشروعیت اعتکاف چرا بروند در خانقاه یا خانه‌های خود خلوت کنند و مسجد و جماعت را در چهل روز یا زیاده‌تر ترک کنند؟ اگر منظورشان ترک هوای نفس است، متروکات اعتکاف را ترک کنند، چرا حیوانی نخورند، روزه بگیرند به

(۱) - سوره اعراف، آیه ۲۰۲.

(۲) - سوره انعام، آیه ۱۲۱.

اعتکاف در اسلام، ص: ۷۹

جای ترک حیوانی، چرا ذکر از قطب و مرشد بگیرند، عبادتی که گفته شد عمل کنند. مگر آن چه پیغمبر صلی الله علیه و اله گفته و خود عمل نموده آنها کشف و شهود و مقامات نمی‌آورد؟ و آن چه اهل بدعت و صاحبات دکان که نام آنها اقطاب و بزرگان گذاشته‌اند، عمل کرده و گفته‌اند انسان را به این مقامات

(۱) - نک: عوارف المعارف، ۹۹؛ مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، ص ۱۶۰؛ مجمع البحرین ابرقوهی، ص ۲۲۵، آثار درویش محمد طبسی. آری همانگونه که بسیاری از دانشمندان، عرفا و برخی از حتی صوفیه گفته‌اند چله‌نشینی ریشه اسلامی ندارد. نمونه را: شمس تبریزی می‌گوید: این چله‌داران متابع موسی علیه السلام شدند چون از محمد صلی الله علیه و اله مزه نیافتند، حاشا بلکه متابعت محمد صلی الله علیه و اله به شرط نکردند، از متابعت موسی اندکی مزه یافتند.

نک: مقالات شمس، تصحیح محمد علی موحد، ص ۱۷۱. چله‌نشینی نزد مولانا جلال الدین مولوی هم ممدوح نبوده است. آن‌گاه که فرزندش برای چله‌نشینی اصرار می‌ورزد می‌گوید: بهاء الدین، محمدیان را خلوت و چله نیست و در دین ما بدعت است اما در شریعت موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام ایشان را بوده است. نک: مناقب العارفین، ج ۲ ص ۷۹۳.

(۲) - اقطاب جمع قطب: سرآمد همه قلاشهای هر زمان را قطب گویند. به عبارت دیگر، «قطب» بالاترین اولیاء الله عصر خود می‌باشد، او ولی بسیار کامل پرمایه معماآمیزی است که به مراحل نهائی طریقت رسیده و خود را محور نظام دنیا و آخرت دانسته و مدعی شاهی (معنوی) و حکمفرمایی بر همه می‌باشد. نک: عارف و صوفی چه می‌گویند؟ ص بط.

اعتکاف در اسلام، ص: ۸۰

عالیاتی‌می‌رساند! هیئات هیئات «ان انتم الا تخرصون»، «ام للانسان ما تمنی»، اگر کسی هزاران سال از غیردردی که محمد صلی الله علیه و اله و آل محمد باز کرده‌اند برود، به جائی نخواهد رسید جز خذلان، و چیزی نخواهد دید جز نومیدی، «فأتوا البیوت من ابوابها».

بحث ما با صوفیه بسیار است، نه تنها در چله و ریاضات است، بلکه از مبدأ گرفته تا معاد ما را با آنها بحث است و بنای این رساله بر طرح بحث با ایشان نیست و صحبت چله هم در اینجا بالمناصبه آمد.

واقعا چه شبیه است ادعاهای ایشان با این مثل معروف، گویند: به شتر گفتند: از کجا می‌آئی؟ گفت: از حمام! گفتند: راست است از پاهای سفید و نظیفت پیدا است.

جماعت می‌گویند ما اهل کشفیم، اسرار بر ما کشف شده، اهل وصلیم، به حقیقت واصل شدیم، اهل شهودیم همه

(۱) - سوره انعام، ۱۴۸.

(۲) - سوره النجم، آیه ۲۴.

(۳) - برگرفته از این رباعی است:

یکی پرسید اشتر را که هی از کجا می آئی ای اقبال پی
گفت از حمام گرم کوی تو گفتم خود پیدا است از زانوی تو
اعتکاف در اسلام، ص: ۸۱

عوامل و حقایق بر ما شهود گشته، واقعا راست می گویند، از پاهای تر و تمیزشان پیدا است، آری از مکاشفاتی که برای خود نقل می کنند در ایام چله و اشعاری که بر زبانشان در آن ایام جاری می شود و از عزلهای عاشقانه‌ای که بعد می سرایند و از عشقشان به غنا و موسیقی پیدا است که چه چیز بر آنها کشف شده و چه چیز را شهود کرده‌اند و با که عشقبازی کرده و می کنند «قل هل أتئکم علی من تنزل الشیاطین تنزل علی کل آفاک ائیم. یلقون السمع و اکثرهم کاذبون و الشعراء یتبعهم الغاؤون الم تر انهم فی کل واد یهیمون و انهم یقولون ما لا یفعلون الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات».

بلی تنها چیزی را که نمی شود انکار کرد در ایشان از آثار چله و در خارج بروز دارد مانند مکاشفاتشان، ادعای بدون شاهد و محتاج به اثبات نیست طبع شعر است، که اگر شاعر نباشند شاعر می شوند و اگر باشند ماهر می شوند، ولی پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمود: «و الشعر من ابلیس» با این که هر شعر از

(۱) - سوره شعراء، ۲۲۱-۲۲۴.

اعتکاف در اسلام، ص: ۸۲

ابلیس نیست امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام نیز شعر داشتند و اهل حق نیز شعر دارند، او این اشعار است که از القائنات شیطان است، چنان که آیه‌ای که ذکر شد نیز اشاره دارد زیرا، مقدماتش همه از غیر طریق شرع است و هرچه از غیر طریق شرع باشد طریق شیطان است، پس این طبع شعر بدون شبهه از امدادات شیاطین است، هر کدام که بیشتر با شیطان صفا کنند شعر و غزلشان در عشق و عرفانی که خودشان عرفان نامیده‌اند، زیباتر و دلرباتر است و اگر سرگرم شوند آب‌دارتر خواهند گفت. حافظ ایشان گوید:

(۱) - نک: دیوان المعصومین ک در آن فقیه مفضل و مدرس دانا و توانا مرحوم میرزا محمد علی مدرس تبریزی خیابانی، اشعار و کلمات منظومه منسوبه به حضرات معصومین علیهم السلام را کرده آورده است.

نیز بنگرید: دیوان منسوب به امام علی علیه السلام، دیوان امام حسین علیه السلام، روائع الاشعار من دیوان الأئمة الاطهار علیهم السلام از محسن عقیل، چاپ دار المحجة البيضاء و دار الرسول الأکرم صلی الله علیه و اله، دیوان فاطمة الزهرا علیها السلام از کامل سلمان الجبوری، چاپ مؤسسه المواهب بیروت، دیوان فاطمة الزهراء علیها السلام گردآوری از محمد عبد الرحیم، دار قتیبة دمشق، و دیوان زین العابدین علیه السلام جمع و تحقیق از محمد عبد الرحیم، چاپ دار قتیبة دمشق و بیروت.

اعتکاف در اسلام، ص: ۸۳ کی شعر تر انگیزد، قلبی که حزین باشد یک نکته در این معنی، گفتیم و همین باشد

این اشاره بود به چله مجعوله و آثار آن، اگر کسی بخواهد بر تفصیلش آگاه شود مراجعه کند به اشعار ایشان و ادعاهایشان و کشف و کرامت‌هایی که از خود و اولیاء خود نقل می کنند.

«و من الله الهدایة و التوفیق».

دوم؛ از طالبانحاجت که برای قضای حوائج خود به هر طرف می‌دوند و هر دری را می‌زنند و از هر شخصی مطالبه ختم و توسل می‌کنند و تمیز اشخاص هم نمی‌دهند، هر کس هر گونه ختمی گفتم مجعول یا غیر مجعول، می‌کنند و هر زن هر گونه نذری گفت می‌کنند؛ تعجب است. چرا برای حاجات خود این عمل مسلم مسنون را به جا نمی‌آورند و چرا اعتکاف را نذر نمی‌کنند؟ با این که سه روز روزه گرفته بدون اعتکاف، برای طلب حاجت نیز وارد شده و امیر المؤمنین علیه السّلام و حضرت فاطمه علیها السّلام برای شفای حسنین سه روز روزه نذر کردند.

برای رسیدن به حاجت‌های مهم چه بهتر از این که خود را

(۱) - غایه المرام و حجة الخصام، ج ۴، ص ۹۱.

اعتکاف در اسلام، ص: ۸۴

در مسجدی دخیل کنند، سه روز یا بیشتر به درگاه قاضی الحاجات تضرع کنند، مخصوصا در ایام ماه رمضان و مخصوصا در دهه آخر، اگرچه وضع این عبادت در اصل برای طلب حاجت نیست، بلکه برای تقرب به سوی حق و ابراز عبودیت است، در سالی یک بار مخصوصا در دهه آخر ماه رمضان، برای درک «لیلة القدر» چنان که از حدیثی این معنی نیز استفاده می‌شود، لکن منافات ندارد که عمل مسنون محبوبی را وسیله طلب حاجت قرار دهد که فرموده: «و ابتغوا الیه الوسيلة» بلکه در حقیقت وسیله نیست، جز همانچه او خواسته و او امر کرده، فرض کرده یا سنت کرده، از این رو قرآن وسیله است، محمد و آل محمد وسیله‌اند، اعمال و ادعیه و اوراد و اذکاری که از ایشان رسیده است وسیله‌اند. اقامه عزا و گریه کردن بر ایشان وسیله اوست.

و بالجمله، آن چه از طریق شرع ثابت شده مطلوبیت و محبوبیت آن در درگاه عظمت پروردگار، می‌توان آنرا وسیله قرار داد و برای طلب حاجات به او توسل کرد.

بنابراین اعتکاف را نیز می‌توان یکی از اسبابهای مهمه

(۱) - سوره مائده، آیه ۳۵.

اعتکاف در اسلام، ص: ۸۵

توسل شماره کرد و اگر معتکف جمع کند بین اعتکاف و اسباب دیگر، اتم و اکمل و اسرع در قضاء حوائج خواهد بود ان شاء الله تعالی، مانند بعضی از نمازهای حاجت یا ادعیه حاجت.

معتکف که بالاخره باید خود را مشغول کند به عبادت از نماز و دعا و قرآن، پس اگر مشغول شود به ادعیه حاجات و نمازهای حاجات، البته دو عمل انجام داده، از طرف دیگر طالب حاجت مطابق دستورات وارده باید توسل کند به نمازها و دعاها و وارده، پس اگر همانها را با عمل اعتکاف به جا آورد، نور علی نور خواهد بود.

پس معتکف اگر طالب حاجت باشد خوب است در ایام اعتکاف به بعضی از ادعیه متوسل شود، مانند جوشن کبیر، یا صغیر و دعای سمات، و دعای یا من تحله از صحیفه سجادیه، و امثال آن که سند معتبر دارد و از زیارت عاشواء، و زیارت جامعه کبیره با حال خلوص که هم توسل به عبادت باشد و هم به امام علیه السّلام و از نمازها، نماز جعفر طیار، و نمازهای هریک از ائمه علیهم السّلام مخصوصا نماز حضرت زهرا سلام الله علیها و نماز حضرت حجت علیه السلام که مکرر خواندن این حقیر به این دو نماز در غیر اعتکاف توسل جسته و به مقصود رسیده‌ام. اما اگر به

اعتکاف در اسلام، ص: ۸۶

همین‌ها که خود داریم قناعت کنیم، هم در دنیا و هم در آخرت سرافرازیم و احتیاج به هیچ کس نداریم.

و السلام علی من اتبع الهدی حرره العبد الفانی محمد جواد بن المحسن الخراسانی ليله چهارشنبه، هفتم ربیع الاول سنه ۱۳۹۰ هجری قمری.

اعتکاف در اسلام، ص: ۸۷

پایان سخن

در فضیلت حج و عمره

چون در ثواب اعتکاف ذکر حج و عمره شد، اینک چند حدیث در فضیلت این دو ذکر می‌شود، گرچه فضل این دو بسیار است، چه واجب آن و چه مستحب آن، حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرموده ثواب حج بهشت است، و ثواب عمره کفاره گناهان. و نیز در خطبه فرمود: کسی که بیرون رود به مقصد حج یا عمره، برای او خواهد بود به هر قدمی که برمی‌دارد، تا هنگامی که برگردد صد هزار حسنه و محو می‌شود از او صد هزار سیئه و بلند می‌شود برای او صد هزار هزار درجه و به هر درهمی که خرج کند صد هزار هزار درهم، و به هر دیناری صد هزار هزار دینار، و به هر حسنه‌ای که عمل کند در این راه صد

(۱) - مستدرک الوسائل، ج ۸ / ۷؛ وسائل الشیعه، ۱۴ / ۲ / ۳؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۲؛ الجعفریات ۶۷.

اعتکاف در اسلام، ص: ۸۸

هزار هزار حسنه تا این که برگردد.

و نیز فرمود: حج و عمره زایل می‌کنند فقر را، چنان که زایل می‌کند کوره زنگ من را.

و نیز اعرابی نزد پیغمبر صلی الله علیه و اله آمد عرض کرد: یا رسول الله، من بیرون شدم برای مکه و از من فوت شد و اینک من ثروتمند شدم، چه امر می‌فرمائی بدهم تا به جای حج باشد؟

فرمود: نظر کن به کوه ابو قیس اگر همه او طلای سرخ باشد و تو در راه خدا اتفاق کنی، نخواهی رسید به آنچه حج کننده به او می‌رسد، سپس فرمود: حج کننده چون شروع کند به تهیه اسباب حج، هیچ چیزی را بلند نکند یا نگذارد، مگر این که خداوند بنویسد برای او ده حسنه و محو کند از او ده سیئه و بلند کند برای او ده درجه، پس چون شتر خود را سوار شود هیچ پا بر ندارد و نگذارد مگر این که همچنین برای او بنویسد، پس چون طواف خانه کند از گناهان خارج شود، و هم چنین فرمود در سعی صفا و مروه و وقوف به عرفات و مشعر و منی و رمی جمرات و هر موقعی را ذکر فرمود و در هر یک

(۱) - وسائل الشیعه، چاپ آل البيت علیهم السلام، ج ۱۱، ص ۱۰۴، ۱۴۳۶۱؛ ثواب الاعمال، ۱۵ / ۷۳.

اعتکاف در اسلام، ص: ۸۹

فرمود: از گناهان خارج شود.

سپس فرمود: کجا خواهی رسید به آنچه حج کننده به آن می‌رسد؟

و حضرت صادق علیه السلام فرمود: نماز فریضه بهتر است از بیست حج و هر حجی بهتر است از یک خانه پر از طلا که تصدق کند به او در راه خدا، چنان که هیچ از طلا باقی نماند.

و نیز فرمود: کسی که قصد این خانه کند برای حج یا عمره، برگردد در حالتی که از گناهان پاک شده باشد مانند روزی که از مادر متولد شده.

و نیز فرمود: حج کننده و عمره گزار وارد دین بر خدا هستند، اگر از او مسألت کنند به ایشان عطا کند، و اگر بخوانند او را اجابت کند، و اگر درباره کسی شفاعت کنند وساطت ایشان قبول کند و اگر ساکت باشند خود ابتداء بدون مسألت به ایشان عنایت کند و به ایشان عوض داده خواهد شد به هر درهمی هزار درهم.

(۱) - التهذيب، ۵/ ۲۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۹ و ج ۴، ص ۴۰.

(۲) - وسائل، ج ۱۱، ص ۹۹؛ کافی، ۴/ ۲۵۵.

اعتکاف در اسلام، ص: ۹۰

بنابراین پس در ثواب اعتکاف که دو حج و دو عمره برای دهه آخر ماه رمضان ذکر شد، مشتمل بر این همه اجر ثواب خواهد بود.

پایان

اعتکاف در اسلام، ص: ۹۱

فهرست منابع و مآخذ تحقیق

- قرآن کریم الاساس فی السنه و فقهها، سعید حوی.
- الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ه).
- الاعتکافیه، لطف الله میسی اصفهانی، به کوشش احمد عابدی، میراث اسلامی ایران.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی (م: ۱۱۱۱ه).
- بدائع الصنائع، ابو بکر بن مسعود (م: ۵۸۷ه).
- بداية المجتهد، ابن رشد.
- تذکره الفقهاء، حسن بن یوسف حلی.
- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی.
- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، صدوق (م: ۳۸۱ه).
- الجعفریات، محمد بن اشعث کوفی.
- جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، محمد حسن نجفی (م: ۱۲۶۶ه).
- اعتکاف در اسلام، ص: ۹۲
- الخلاف، شیخ طوسی.
- حاشیه الدسوقی علی الشرح الكبير
- دعائم الاسلام، قاضی نعمان، (م: ۹۱۱ه).
- الدر المنثور، سیوطی جلال الدین.
- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، (معروف به شرح لمع)، زین الدین جبعی عاملی (شهید ثانی).
- رسائل الشریف المرتضی، شریف مرتضی: علی بن حسین موسوی (۴۲۶ه).
- ریاض المسائل، سید علی طباطبائی (۱۲۳۱ه).
- السنن، دارقطنی (م: ۳۸۵ه).
- الصحاح، اسماعیل بن حماد جوهری (م: ۳۹۳ه).